

اعلام حمایت وزارت اقتصاد از تولیدات داخلی و سکتور خصوصی



- افزایش تولید گاز در شمال کشور
- چشم انداز اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۵
- فواید درخت و غرس نهال

خدمات جدید غضنفر بانک



The advertisement features a man in a white shirt and blue tie sitting at a desk, using a laptop. A semi-transparent login screen is overlaid on the laptop screen, displaying the Ghazanfar Bank logo, the text 'USER NAME' with 'ADMINISTRATOR' in the input field, 'PASSWORD' with a masked field, and a 'SIGN IN' button. To the left of the man, the Ghazanfar Bank logo is shown above the text 'غضنفر بانک' and 'GHAZANFAR BANK'. Below this, the text 'خدمات جدید غضنفر بانک' and 'Ghazanfar Bank New Services' is displayed. Two buttons are shown: 'خریداری از طریق اینترنت' (Online Purchases) and 'انتقال پول از طریق اینترنت' (Online Banking). At the bottom, contact information is provided: '+93 (0) 20 210 11 11', '+93 (0) 798 786 786', 'info@ghazanfarbank.com', and 'www.ghazanfarbank.com'. A small Ghazanfar Bank logo is also visible on a cup to the right of the laptop.

- خریداری از طریق اینترنت (Online Purchases)

اکنون مشتریان محترم می توانند با ماستر دبت کارت غضنفر بانک از طریق اینترنت خریداری نمایند

- انتقال پول از طریق اینترنت (Internet Banking)

با این خدمات مشتریان غضنفر بانک می توانند بدون مراجعه به بانک از طریق اینترنت بانکینگ به دوستان و همکاران خود که مشتری غضنفر بانک باشند، در حد محدود پول انتقال دهند.



برگزاری روز جهانی زن در غضنفر بانک



خدمات جدید غزنفر بانک



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK

حساب گنج

جدید ترین حساب میعادی غزنفر بانک
مقدار پول برای گشایش حساب حد اقل یک میلیون افغانی
فقط به پول افغانی

مفاد ۳.۵٪ سالانه

مشتریان محترم مفاد را به صورت ماه وار دریافت می نمایند.



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK

حساب ثروت

جدید ترین حساب پس انداز غزنفر بانک
مقدار پول برای گشایش حساب حد اقل یک میلیون افغانی
فقط به پول افغانی

مفاد ۳٪ سالانه

مشتریان محترم مفاد را به صورت ربع وار دریافت می نمایند.





صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسوول: نور احمد فہیم

تحت نظر هیأت تحریر

دیزاینر: سمیع اللہ مہال

ادارہ ماہنامہ غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

+93 (0) 797 860 000

media-manager@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

چاپخانه: مطبعہ بہیر

فہرست مطالب

سرمقالہ

- بیانیہ در سال نو با اہداف و شگرد ہای نو زندگی خود را متحول کنیم. ۲

اقتصادی

- پیام محمد اشرف غنی رئیس جمہوری کشور بہ مناسبت سال نو ۱۳۹۵ خورشیدی ۳
- استفادہ از پول خارجی در داد و ستد و تاثیر آن روی ارزش پول افغانی ۶
- مالی نظام او د ہغہ د عمل څرنگوالی ۱۰
- توسعہ اقتصادی ۱۳
- مالیات و نقش آن در رونق اقتصادی ۱۹
- نگاہی بہ اقتصاد جہان در سال ۲۰۱۵ ۲۱
- افزایش تولید گاز در شمال کشور ۲۲
- تائید اصلاحات اقتصادی افغانستان از سوی صندوق بین المللی پول ۲۳
- حمایت وزارت اقتصاد از تولیدات داخلی و سکتور خصوصی ۲۴
- گشایش مجدد کارخانہ تولید سمنت جبل سراج ۲۵

اجتماعی

- نقش خانوادہ در سلامت روان ۲۷
- فواید درخت و غرس نہال ۳۲
- نقش محبت در زندگی خانوادگی ۳۵
- شہر غلغلہ ۴۱
- افتخار آفرینان ورزش کشور ۴۴
- آشنایی با خواص دارویی شلیل ۴۵

ادبی

- رابطہ اخلاق و عرفان اسلامی ۴۹
- نیستان (ویژہ شعر و ادب) ۵۴
- جملہ ہای طلایی ۵۶
- حکایت و اندرز ۵۹
- محاورہ اوزبیکی ۶۰
- نمایندگی ہای غضنفر بانک ۶۳
- RISK MANAGEMENT IN BANK & BASEL ACCORD ۱



سخن ماه

بیایید در سال نو با اهداف و شگرد های نو زندگی خود را متحول کنیم

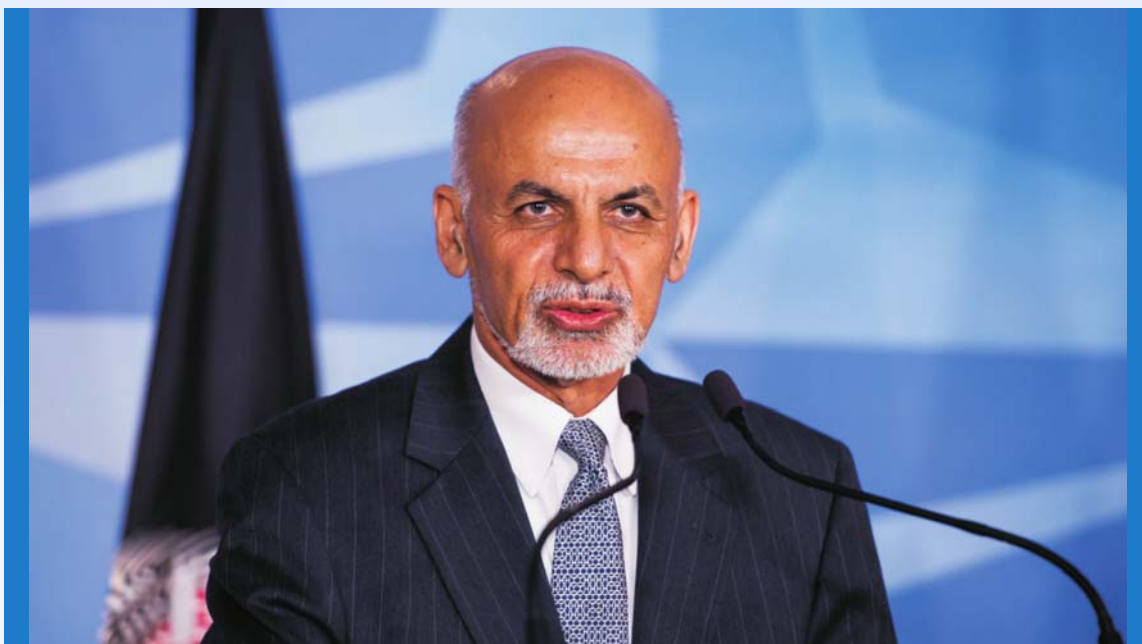
یکی دیگر از ارکان موفقیت تعهد به انجام کار در مسیر اهداف تعیین شده می باشد. در حقیقت هدف و تعهد لازم و ملزوم همدیگر اند. دستاورد و موفقیت ما بیانگر عمق تعهد ما نسبت به فعالیت مان می باشد. تنها تعهد است که موانع را از سر راه مان دور می کند، اگر می خواهیم بجایی برسیم باید متعهد باشیم. پس تعهد در هر کاری یکی از اسرار موفقیت است، بنابراین لازم است نسبت به اهداف و مسیر تعیین شده برای رسیدن به هدف مورد نظر خود متعهد باشیم.

از عواملی دیگری که میتواند ما را به موفقیت و شادکامی نزدیک کند، شریک کردن اهداف و آرزوهای مان با افراد معتمد و توانمند است. که باید برنامه کاری خود را با شخصیت هایی که در مسیر کار ما توانمند و نخبه هستند، شریک نمائیم تا با استفاده از رهنمود های آنها به هدف مورد نظر نزدیک شویم. نباید از شکست موقتی مایوس شویم زیرا موفقیت به صورت فوری حاصل نمی شود، نیاز به کار مستمر و گذر زمان دارد. اگر طبق برنامه از قبل تعیین شده حرکت کنیم یقیناً به هدف خواهیم رسید.

بنا برین در سال نو علاوه بر خانه تکانی و دید و بازدید، باید بررسی کنیم که سال گذشته را چگونه سپری کرده ایم، اگر ضعفی در فعالیت های ما وجود داشته که ما از این ناحیه متضرر شده ایم، در رفع آنها بکوشیم، از اسراف جلوگیری کنیم و اگر کارهای مثبتی انجام داده ایم، سعی بر تداوم آنها داشته باشیم.

یقیناً همگام با سال نو بازنگری در چگونه زیستن آرزوی هر فرد است. انسان ها تلاش می نمایند تا زندگی مطلوبی داشته باشند، اما رسیدن به این هدف با تدبیر و اندیشه سالم امکان پذیر است. چنانچه با ورود فصل بهار طبیعت مجدداً جان می گیرد و دگرگون می شود ما هم باید با الهام از فصل بهار و دگر گونی طبیعت، در چگونه زیستن و چگونه کار کردن خود تجدید نظر نموده و زندگی خود را شاداب و دگرگون نمائیم. البته اهداف ما باید واقعی و معقول باشند نه خیالی که دسترسی به آنها ممکن نباشد و نه بسیار ابتدایی که ارزش کوشیدن را نداشته باشند.

در ضمن برای رسیدن به موفقیت داشتن اعتماد به نفس لازم است، این اعتماد به نفس زمانی به دست می آید که به عملکرد گذشته مرور کنیم، موفقیت ها و کاستی های خود را یادداشت کنیم و با در نظر داشت نکات قوت و ضعف فعالیت های سال قبل، برای سال نو برنامه ریزی کنیم. اعتماد به نفس واقعی همواره در درون انسان ها تولید می شود، از بیرون تزریق نمی شود. اعتماد به نفس واقعی زائیده تعهد ما به خودمان است. اعتماد به نفس واقعی آن است که قبل از موفقیت در انجام کارها، به توانایی خود برای انجام آن کار اعتماد داشته باشیم. قابلیت تسلط و کنترل کردن احساسات و عواطف خود را داشته باشیم، به جهان هستی و آفرینش ایمان داشته باشیم، از گذشته و شکست های خود درس عبرت بگیریم، از هر فرصتی برای تصمیم گیری استفاده کنیم و این نیرو را در خود پرورش دهیم، زیرا اعتماد به نفس واقعی آن است که روی آگاهی ها و توانایی های ما اثر گذار باشد. پس باید عاقلانه به گذشته نگاه کنیم و اندیشه و وقت خود را صرف چیزی کنیم که توان انجام دگرگون ساختن آن را داشته باشیم.



پیام دکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور کشور به مناسبت سال نو ۱۳۹۵ خورشیدی

افغانستان اجازه ندادیم تا وطن ما را پارچه پارچه و نظام ما را تخریب کنند.

ما سال گذشته را با جنگ برای بقای کشور شروع کردیم و در آغاز امسال به اطمینان میگویم که در این جنگ پیروزی از آن مردم ماست و مطمئن هستیم که دشمنان ثبات و امنیت در کشور ما جای ندارند و به یقین که به صلح و ثبات میرسیم.

انتقال از روابط دوستانه کوتاه مدت به روابط میان مدت و دراز مدت با دنیا، هدف دیگری بود که در سال گذشته به دست آوردیم. ما مانند هر کشور دیگر جهان به مناسبات دوستانه و مستحکم بین المللی نیاز داریم که خوشبختانه تا حدی زیادی این مناسبات تأمین شده است و می توانیم روی روابط بین المللی خود حساب کنیم.

مقابله با بحران اقتصادی وظیفه مهم دیگر ما بود که در سال ۱۳۹۴ برای کاهش آن کار کردیم و در سال جاری، انشاءالله مردم ما ثمره عملی آن را خواهند دید. مردم می خواهند که در

تر هر خه اول د نوي هجري شمسي کال د راتلو په مناسبت ټولو افغانانو ته مبارکي وایم او دعا کوم چې الله تعالی دې نوی کال د ټولو وطنوالو لپاره بختور کړي.

خواهران و برادران عزیز!

سال گذشته را با شرایط دشواری آغاز کردیم، انتظارات زیاد بود؛ اما عملاً اوضاع قسم دیگری بود. ما باید انتقال قدرت سیاسی را تجربه می کردیم و ثابت می نمودیم که انتقال قدرت سیاسی نه از راه خشونت و خونریزی، بلکه از راه مسالمت آمیز و همکاری های ملی انجام شود. این کار، ساده و آسان نبود؛ اما به لطف خداوند بزرگ و شعور بالای سیاسی مردم عزیز ما و حمایت آنها، انتقال قدرت سیاسی با موفقیت انجام شد.

ما سال گذشته، تجربه انتقال قدرت نظامی را نیز آغاز کردیم و با موفقیت انجام دادیم. پس از خروج قوای نظامی خارجی، در داخل و خارج از کشور تبصره های وجود داشت که گویا نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان توان حفاظت از کشور و نظام خود را ندارند. ولی باز هم به فضل خداوند و همت بالای نیروهای امنیتی و دفاعی و حمایت های بی دریغ مردم، به دشمنان



بدهم که بحران اقتصادی که بعد از خروج قوای نظامی خارجی و افزایش فعالیت‌های تروریستی و سکتگی در مناسبات خارجی به وجود آمده بود، کاهش قابل ملاحظه یافته است.

مگړانو وطنوالو، اوس چې د نوي کال په درشل کې د هیواد د جمهور رییس په توگه تیر یو کال ته نظر اچوم او مثبتو او منفي نکاتو ته یې گورم، نو د امید او خوشحالي تر ټولو لویه خبره دا رابښکاري چې زموږ د ملت سیاسي تجربه ډیره پخه شوې ده. ما په تیر یو کال کې د افغانستان تقریباً نیمو ولایتونو ته سفرونه وکړل او دلته په کابل کې مې کابو هره ورځ د خلکو له مختلفو اقسارو سره ملاقاتونه لرل. په دې ټولو ملاقاتونو کې مې له خلکو څخه د ملي وحدت، عدالت، انکشاف، سولې، اخوت او د قانون د حاکمیت خبرې واورېدې. دغه راز په تیرو ورځو کې چې مې د ملي شورا د ژمي د رخصتو په پای کې د ټولو ولایتونو د خلکو له استازو سره وکتل او د هغوی له خولې مې د مختلفو ولایتونو د خلکو غوښتنې واورېدلې، د ټولو د خبرو اصلي پیغام دا و چې اصلاحات دې راشي او د ظالمانو او فاسدانو

زندگی آنان بهبود رونما شود و مشکلات اقتصادی آنان کم گردد. جواب این خواست بنیادی مردم، طرح برنامه‌های اقتصادی و انکشافی و تأمین هزینه‌های اجرایی آنها بود که الحمدلله در این عرصه پیشرفت‌های زیادی شده است.

امسال ما به اندازه یی برق تولید خواهیم کرد که در صد سال گذشته به آن اندازه برق در افغانستان تولید نشده است. با در نظر داشت اصل انکشاف متوازن، در سال ۱۳۹۵ در ولایات مختلف شمالی، غربی، جنوبی، مرکزی و شرقی افغانستان بندهای آب گردان می‌سازیم و پروژه‌های انرژی قابل تجدید را عملی می‌کنیم. در سال جاری کار ساخت خط آهن آفینه - اندخوی و هرات - ایران آغاز خواهد شد و همچنان در جستجوی تأمین بودجه خط آهن شبرغان، مزار شریف، کندز و همچنان کندهار - سپین بولدک هستیم و تلاش‌ها در این زمینه جریان دارد.

در این سال برای تطبیق پروژه‌های کلان، از پروژه تاپی گرفته تا پروژه‌های مختلف زراعتی در ساحات مختلف کشور کارهای اساسی و بنیادی انجام خواهد شد؛ کارهایی که در بهبود زندگی مردم تأثیر مستقیم دارد و میتوانم این مژده را به مردم خود





سال گذشته، سال مبارزه برای بقای افغانستان بود، ولی امسال را باید به سال مبارزه جدی با فساد تبدیل کنیم. باید به صراحت بگوییم: هرکس که در فکر فساد باشد بداند که نه ملت افغانستان تحمل عناصر مفسد را دارد و نه جامعه بین المللی حوصله دارد که پول‌های حاصل از مالیات مردم خود را به جیب چند مفسد در افغانستان بفرستد.

ناامنی در کشور ما به صورت ناگهانی پیدا نشده است، بلکه ریشه داخلی این ناامنی در بی‌عدالتی است. این ریشه را باید بخشکانیم. برای رسیدن به این مقصد، باید صدای ملت را بشنویم و به خواست‌های ملت تسلیم شویم.

ما اگرچه نسبت به هر وقت دیگر به تحول و اصلاحات امیدوار هستیم، ولی این موفقیت پس از لطف خداوند به عزم و اراده ما بستگی دارد که چگونه باید سال ۱۳۹۵ را به پایان برسانیم؟! صلح، ثبات، ترقی و خوشبختی، از هرکدام ما قربانی می‌خواهد. این تنها وظیفه قوای امنیتی و عساکر ما نیست که برای وطن قربانی بدهند، بلکه همه ما باید شجاعت و ایثار داشته باشیم. اولین قدم در راه ایثار و فداکاری آن است که مسئولیت پذیر باشیم.

قدرمنو وطنوالو،

په داسې حال کې چې زموږ امنیتي قواوې تر بل هر وخت پیاوړې، مطمینې او له شرارت او بغاوت سره مقابله تیارې دي، دا خبره یو ځل بیا کوم چې سوله زموږ هدف او د ملت غوښتنه ده او په ټولو جهتونو او په هر چا اواز کوم چې راځي د سولې کاروان منزل ته ورسوو او هغه وخت راولو چې هر کور مو خوشحاله او هره ورځ مو نوروز شي. آمین یا رب العالمین

زنده باد افغانستان، تل دې وي افغانستان

مخه دې ونیول شي. زه په ډیر اطمینان سره ویلای شم چې زموږ ټولنه او زموږ ملت د دنیا تر ټولو هغو ملتونو او ولسونو متحد او معتدل دی چې له جنگ او بحران سره مخ شوي دي. البته، دا هم باید ووايم چې زموږ په سیاسي قشر کې داسې کسان هم شته چې خپلې گټې تر اجتماعي او ملي گټو مهمې بولي. زموږ په سیاسي قشر کې داسې کسان شته چې که دی وزیر وي، هر څه گل و گلزار دي خو که دی وزیر نه وي، هر څه بد دي. زه دغو دوستانو ته وایم چې هغه بیرې مه سوری کوي چې پخپله پکې سپاره یاست. انتقادونه باید واورو او د نظر اختلاف باید ومنو، مگر هغه څه باید ونه کړو چې یوازې د نهیلي سبب کیږي او گټه یې د افغانستان د سولې، ترقی او خوشحالي دښمنانو ته رسیږي.

د افغانستان حکومتي ادارې ډیرې کمزورې لري. زموږ ادارې هغومره فعالې نه دي لکه څنگه چې پکار دي. زموږ په ادارو کې فساد شته او زموږ خلک د عدالت له نشتوالي په تکلیف کې دي خو د افسوس ځای دی چې زموږ په سیاسي قشر کې داسې کسان هم شته چې په عمل کې د فساد او بې عدالتي حمایت کوي. په داسې حال کې چې عام ولس خپل زامن د ملي اردو او ملي پولیسو لیکو ته استوي او زموږ امنیتي قواوې د وطن او وطنوالو د حفاظت لپاره له سرونو تیریږي، زموږ ځینې سیاستوال، د وطن او وطنوالو په خاطر، ان له خپلو حقیرو شخصي گټو څخه تیریدلو ته تیار نه دي.

وطنداران گرامی،

حکومت داری خوب نه پول می‌خواهد نه بودجه، بلکه دیدگاه می‌خواهد و نیازمند همکاری است.

سرمحقق شیر علی نوری

استفاده از پول خارجی در داد و ستد و تاثیر آن روی ارزش پول افغانی

های آینده به تعویق اندازند. یعنی قدرت خرید را که یک شخص امروز دارد، توسط پول میتواند این قدرت خرید را برای آینده حفظ نماید.

دیدگاه پیروان مکتب کینز و یافته های تحقیقات جدید نشان میدهد که در کوتاه مدت تغییرات در حجم پول در جریان باعث تغییرات در بازار پول شده و در نتیجه بازار امتعه و خدمات را نیز متاثر میسازد. لذا تعیین اندازه مناسب عرضه پول در بازار میتواند بازار را در



حالت تعادل نگهدارد و کاهش حجم پول در جریان، کمتر از اندازه مناسب آن باعث بوجود آمدن بیکاری و افزایش حجم پول از حد لزوم آن، انفلاسیون یا بلند رفتن قیمت ها را به همراه خواهد داشت. چون نشر پول از صلاحیت های بانک مرکزی هر کشور است، بنابراین وظیفه اساسی بانک مرکزی است تا اندازه لازم پول را در اقتصاد تشخیص نموده و آنرا کنترل نماید و در صورت موجودیت فضای انفلاسیونی و یا بیکاری دست به تغییرات در مقدار عرضه پول زده و اقتصاد را به سمت مورد نظر سوق دهد.

مشکل بزرگی که بانک مرکزی به آن مواجه است مسئله تشخیص مقدار مناسب عرضه پول است. چون در اقتصاد کشور ما بر علاوه پول ملی، پولهای خارجی مانند روپیه پاکستان، ریال ایران و دالر آمریکا به پیمانه زیاد در امر تبادل اجناس و خدمات نقش دارد، در چنین حالت برای بانک مرکزی ما دشوار خواهد بود تا اندازه پول مورد ضرورت کشور را تعیین و مطابق آن پول را در اقتصاد عرضه نماید. به طور کل ارزش پول هر کشور به اساس شاخص های ذیل تعیین میگردد:

پیش از اینکه شاخص های تعیین ارزش پول توضیح شود، لازم است تا پول و وظایف آن مختصراً توضیح گردد. دانشمندان، پول را از نقطه نظر وظایف آن چنین تعریف نموده اند: پول عبارت از وسیله تبادل و نگهداری ارزش است. و همچنان هر چیزیکه منحیث وسیله تبادل اجناس و خدمات استفاده شود و مورد قبول عامه باشد، پول است.

پول در عصر حاضر نقش مهمی را در اقتصاد کشورها دارا می باشد. اهمیت و نقش پول در اقتصاد با افزایش تولید اجناس و خدمات، افزایش داد و ستد و افزایش نیازمندیهای جامعه بیشتر از پیش گردیده است. برای وضاحت بیشتر اهمیت پول لازم است تا وظایف آن به طور اجمال توضیح گردد. وظیفه اولی پول اینست که خرید و فروش اجناس و خدمات را آسان می نماید و توسط آن، اجناس و خدمات خرید و فروش میگردد. واحد یا معیار سنجش ارزش اجناس و خدمات، وظیفه دومی پول است. با استفاده از پول میتوان قیمت اجناس را به آسانی تثبیت نموده و بین اجناس نسبت مشخص تبادل را تعیین کرد. وظیفه سومی پول عبارت از حفظ و نگهداری ارزش و یا نگهداری ثروت است. این وظیفه پول کمک میکند تا افراد قدرت خرید موجود را به زمانه



متذکره میباشد. کشورهای متذکره حد اعظم استفاده از این وضع را مینمایند.

استفاده از اسعار خارجی در برخی ولایت های سرحدی از گذشته ها تا اکنون دوام دارد. در سالهای اخیر به حدی رسیده است که حاکمیت ملی را تهدید و به اقتصاد کشور ضربه مهلک وارد نموده است و با گذشت هر روز این مشکل جدی و جدی تر می گردد.

از طرف دیگر بلند بودن ارزش پول افغانی در چند سال اخیر بیشتر مصنوعی بوده نه اینکه به اساس رشد تولیدات که اساس ارزش پول را تشکیل میدهد، همین امر سبب شده تا مردم کمتر به پول افغانی اعتماد داشته باشند، لذا در اکثر موارد در برخی ولایات سرحدی کشور در داد و ستد خود از کلداری پاکستانی و یا تومان ایرانی استفاده میکنند، زیرا بیم آنرا دارند که اگر اموال وارداتی خویش را به پول



افغانی بفروشند دوباره با پول دست داشته مبلغ اسعار از دست داده خود را بدست آورده نخواهند توانست. به همین ترتیب معاملات بزرگ مانند خرید خانه، جایداد و موتر بدون چون و چرا در اکثر شهر های کشور به دالر صورت می گیرد که این کار بذات خود ارزش پول افغانی را کاهش میدهد.

روی همرفته عوامل کاهش ارزش پول افغانی و یا مشخصاً استفاده از اسعار خارجی در برخی ولایات مرزی را قرار ذیل میتوان بر شمرد:

- ۱- بی ثباتی در نرخ ارزش پول افغانی و عدم اعتماد مردم به استقرار آن؛
- ۲- نبود تولیدات داخلی و وابسته بودن بیش از حد به تولیدات کشورهای همسایه؛
- ۳- کمبود عواید داخلی و وابسته بودن کشور به کمک های خارجی؛

قدرت اقتصادی (سطح تولیدات داخلی)، سطح تجارت خارجی بویژه صادرات، نرخ انفلاسیون، ذخایر اسعاری و مانند اینها. لکن بهترین شاخص که میتواند پشتوانه پول یک کشور باشد تولیدات آن است، که به چه پیمانه سالانه تولید دارد، از جمله تولیدات مذکور چه مقدار آن به داخل مصرف میشود و چه پیمانه به خارج از کشور صادر میشود، زیرا ازدیاد صادرات بهترین وسیله

تأمین تعادل بیلانس تجارت می باشد.

کشوریکه تولیدات بلند داشته باشد کاهش ارزش پول آن باعث تشویق صادرات آن گردیده و از واردات آن میکاهد و بر عکس افزایش ارزش پول ملی کشور مذکور واردات را تشویق و از صادرات آن می کاهد. لذا کاهش و یا افزایش نرخ اسعار در کشور های مختلف تأثیرات مختلف دارد، بدین معنا که همیشه مضر و یا مفید نمی باشد، بلکه وابسته به وضع اقتصادی و سطح تجارت خارجی هر کشور میباشد. کشور هایی که صادرات شان بر واردات شان بیشتر است کاهش ارزش پول آنها به نفع شان میباشد و بر عکس کشورهایی که به کسر بیلانس تجارت مواجه اند کاهش ارزش پول ملی به ضرر آنها میباشد. روی همین اصل است که کشور های ایران و پاکستان با داشتن پول کم ارزشتر از پول افغانی ولی دارای تولیدات بیشتر و گسترده تر از افغانستان از این اصل نفع برده و افغانستان بدون تولیدات و محتاج به اموال پاکستانی و ایرانی بهترین مارکیت برای اموال تولیدی کشور های



مشابه نیاز دارد، باز هم بصورت اجمالی میتوان بطور مقدماتی به نکات ذیل اشاره کرد.

۱- درگام نخست باید در افزایش تولیدات داخلی و کاهش واردات کالاهای مشابه تولیدات داخلی توجه جدی مبذول گردد تا بدان وسیله نرخ پول افغانی استقرار پیدا نموده و اعتماد مردم به آن بیشتر گردد؛

۲- سهولت تبادل اسعار به نرخ روز در مرزها برای مهاجرین و عودت کننده ها فراهم شود؛

۳- برای افزایش آگاهی مردم چه از طریق وسایل اطلاعات جمعی و چه از طریق منابر و مساجد درمورد پیامد های منفی اقتصادی، سیاسی و ملی در قبال استفاده از پول خارجی، کار تبلیغی و تنویری صورت گیرد؛

۴- قوانین سخت گیرانه جزایی درمورد استفاده از پول خارجی تصویب و بلا استثنا عملی گردد این کار زمانی ممکن است که امنیت تامین و حاکمیت دولت در مرز ها حکمفرما باشد؛

۵- بر بازار های خود سر و بدون کنترل مرزی که از اموال و اجناس قاچاقی ملو میباشند، به نحوی نظارت و کنترل بر قرار گردد تا بتوان به تبادل اجناس در این بازار ها پول افغانی را بیشتر ترویج و جانشین اسعار خارجی کرد؛

۶- در محلات سرحدی کار و فعالیت از طریق ایجاد کمپنی ها و شرکت هایی که زمینه تادیه مزد را به افغانی فراهم کنند، صورت گیرد که این امر خود بخود باعث استفاده پول افغانی میگردد؛

۷- با استفاده از تکنالوژی جدید زمینه برای استفاده از کريدیت کارتها در داد و ستد روز مره و سایر سهولتهای بانکی مساعد ساخته شود تا با گذشت هر روز ضرورت به پول فزینی در داد و ستد کاهش یابد. در غیر این صورت هرگونه اقدام عجولانه و نا سنجیده باعث تشدید بحران و افزایش مشکلات برای عامه مردم به خصوص طبقه پایین فقیر و زحمتکش جامعه خواهد گردید که هیچگونه جبران و بدیل نخواهد داشت.

۴- افزایش مهاجرت های غیر قانونی و آوردن اسعار خارجی به افغانستان؛

۵- نبود امنیت و عدم امکان تطبیق قوانین جزایی مبنی بر استفاده از پولهای خارجی در داد و ستد روز مره؛

۶- عدم آگاهی مردم از پیامد های اقتصادی، سیاسی و ملی استفاده از پول خارجی در داد و ستد روزمره؛

۷- وجود بازار های خودسر اموال و اجناس قاچاقی در برخی از سرحدات کشور که هیچ نوع کنترل بر آنها نیست و ده ها عامل دیگر از این قبیل را میتوان نام برد.

با تشخیص علل استفاده از پولهای خارجی درکشور لازم است تا راه های جلوگیری از آن جستجو شود. گر چه در شرایط و اوضاع حاکم بر کشور جواب آنی مقنع و معجزه آسائی وجود ندارد و حتی میتوان حدس زد که سخت گیری بدون اتخاذ تدابیر معین و ایجاد سهولت های لازم شاید باعث تشدید بحران گردیده و ضربه آن باز هم بدوش طبقه پایین جامعه سنگینی نماید؛ بگونه مثال: مهاجران غیر قانونی که از ایران به جبر برگشته اند میشوند و ثمره زحمات یک ساله آنها که چند هزار تومان بیش نمی باشد و دولت هم هیچگونه سهولتی برای تبادل پولهای شان در مرز مهیا نساخته است؛ اگر اجازه خرید جنس مورد نظر خود را به پول خارجی هم نداشته باشند ممکن است در دام معامله گران بیفتند که ارزش نصف پول دست داشته شان را از دست دهند.

به همین ترتیب شکایات کسانی که در ولایات هم مرز با پاکستان قرار دارند به گونه است که اگر از پول افغانی در معاملات و داد و ستد روزمره استفاده می نمایند، معادل روپیه پاکستانی محاسبه میشود در حالیکه یک روپیه پاکستانی حدوداً معادل ۰/۶۴ افغانی میباشد.

بنابر آن تدابیری که در زمینه گرفته میشود باید تدریجی؛ سنجیده شده و دقیق باشد. هرچند حل این مشکل به یک تحقیق گسترده ساحوی با استفاده از تجارب دول

تمويل مالی و قرضه های غضنفر بانک
تجارت و اقتصاد شما را
استحکام و رونق می بخشد



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK



دفتر مرکزی: ۸۷۷ سرک عمومی شیرپور، کابل-افغانستان

☎ +93 (0)798786786 ☎ +93 (0)79 786 00 79

info@ghazanfarbank.com / www.ghazanfarbank.com

خبر نوال: عبدالحمید رامیار



مالی نظام او د هغه د عمل څرنگوالی

نظام د درې ګونو ارکانو څخه جوړ دی چې د ټولنې د اقتصاد دښه مدیریت لپاره د هغوی د عمل او د اړیکو څرنگوالی دپام وړ اهمیت لري. دا ارکان د مالي وسیلو، مالي بازارونو او مالي بنسټونو څخه عبارت دي. دا درې ګونه رکنونه داسې اړیکې سره لري او سره کار کوي چې په مالي نظام کې د وجوهو د دوران بهیر آسانه کړي او د عرضه کونکو څخه غوښتونکو (تقاضا کوونکو) ته یې ورسوي.

الف: مالي وسیلې: هغه سندونه دي چې په یوه مالکیت کې د اړونده خواوو ونډه ښيي یا په بله ژبه هغه قرار دادونه دي چې د وجوهو د عرضه کوونکو او غوښتونکو ترمنځ پرېکړې او د هغه څرنگوالی څرګندوي. په عامه توګه په یوه مالي سیستم کې مالي وسیلې عبارت دي له: ونډو، پورونو او مشتقه بها لرونکو پاڼو.

په یوه اقتصاد کې مالي تمویل د نظام او اړوندو اقتصادي او ټولنیزو بنسټونو د ودې او پراختیا لپاره اړینه مسئله ده. د یوه هېواد د مالي تمویل په خاطر ده چې مالي بازارونه منځته راځي. دا بازارونه د پس اندازونو په ټولولو او وروسته د پانګونو په خاطر د هغه په تخصیص کې بنسټیز رول لوبوي. په دې خاطر ده چې په بازار کې د وجوهو عرضه کوونکي او د هغه متقاضیان دواړه اساسی لوبغاړي دي. عرضه کوونکي هماغه پس انداز کوونکي دي چې د کارونې د نه امکان له کبله راکډې او نه کارول شوې پیسې او توکي لري او په مقابل کې هغه ډله چې د کاروبار او پانګونو امکان لري خو پانګه نلري او د عرضه کوونکو وجوهو ته اړ دي متقاضیان بلل کېږي.

په عمل کې بازارونه د خصوصی او دولتي سکتور د مالی تمویل سرچینه ده. د یوه اقتصاد مالي



بېلگې يې، لمړني او ثانوي بازارونه، نغدي او مشتقه بازارونه د پيسو او پانگې بازارونه، د بورس بازارونه او نور دي.

ج: مالی بنسټونه: څرنگه چې معلومه ده د بازارونو کارونکي په عمل کې په هر وخت او هرو شرايطو کې د تمې وړ موخې نشي ترلاسه کولی يانې چې د بازارونو د نه کاملتوب له امله بهالرونکې پانې چې د پانگوالو په اختيار کې ورکول کېږي د ابهامه ډکې او لازمې روڼتياوې نلري، همدا راز د بها لرونکو پانې او ونډو وېش چې بېلابېل متقاضيان د هغه د پېرلو تمه لري يې له لگښتونو نشي ترلاسه کېدای نو ددې تشې د ډکولو په خاطر نور بنسټونه چې مالي بنسټونه نومېږي منځته راغلي دي چې سوداگريز بانکونه، غير بانکي مالي نهادونه، د پانگونی بانکونه د عمر بيمې، ټوليزې بيمې د پانگونې صندوقونه، د پانگونې شرکتونه او ډېر نور يې د جملې څخه دي.

- سوداگريز بانکونه د پاموړ مالي بنسټونه دي. دا بنسټونه چې تر ډېره د پيسو د راکړې ورکړې سره کار لري او د اقتصاد په مالي پولې چارو کې رغنده ونډه او رول ادا کوي د ټولنې د غيرو فعالو او سرگردانو پيسو د راټولولو او وروسته په پانگونو کې د کارولو دندې تر سره کوي. بانکونه اقتصادي کاروباريان د جوړولو له کبله مالي تمويل کوي او په دې اړوند يې ستونزې حل کوي. سوداگريز بانکونه د بېلابېلو حسابونو په پرانيستلو سره اقتصادي تصديو، او نورو کارباريانو ته د اعتبار او پور ورکونې زمينې برابر وي.

سوداگريز بانکونه د يوه مالي نظام د غړو په توگه د ټولنې دوگړو، بنسټونو او د مؤسسو سپارنې مني او تر څنگ يې مالي طلبات (Financial Claims) چې د خزاني لڼه مهاله سندونه، د گروپ اسناد او سوداگريزې سفتی دي د پور اخيستونکو څخه پيري او د هغه د پېرلو او پلورلو د تفاوت له لحاظه يوڅه گټه ترلاسه کوي.

سره له دې چې د وخت په تېرېدو او د انساني ژوند په اقتصادي او ټولنيزو چارو کې د بېساريو

ونډه، په يوه شتمنۍ که د مالک مالکيت ښيي. د بېلگې په توگه که څوک په يوه شرکت کې شريک وي ونډه د هغه پولي حصه بيانوي چې په خپل وار سره ددې ونډې په اندازه د شرکت په گټه او تاوان کې شراکت لري.

پور، هغه مقدار وجوړو ته ويل کېږي چې بېرته بايد ورکړل شي. د يوه پور اساسي مشخصه داده چې بايد پور اخستونکي له خوا بېرته ورکړل شي. پور ورکونکي د خپل پور د اخيستو حق لري. ممکن هغه يوازې اصل پور او يا هم د تکتانې (بهرې) سره مل وي.

مشتقات: مشتقه بها لرونکي پانې هغه پولي سندونه دي چې بېې يې په بازار کې په فزيکي شتمنۍ او يا هم په کوم بها داره پانې پورې اړوند وي، په وروسته کې قرار داد، اختياري قرار داد او د معاوضې قرار داد ددې پانې له جملې څخه دي. همدا راز اسلامي بها لرونکې پانې (صکوک) هم د مشتقه مالي پانې له جملې څخه شمېرل کېږي. دا ډول قراردادونه په اسلامي اصولو ولاړ قرار داد ونه دي چې انتفاعي او غير انتفاعي ښې لري. دا ډول بها لرونکې پانې د وقف صکوک د قرض الحسنه صکوک، غير انتفاعي او د مراحې او د اجارې صکوک دي چې د انتفاعي اسلامي صکوکو په نوم ياديږي.

ب: مالی بازارونه: هغه بازارونه دي چې حقيقي او حقوقي شخصتونه په کې د مالی شتمنيو مبادله او پير او پلور تر سره کوي. په دې توگه په مالي بازار کې د فعاليتونو او اړيکو په مرسته د مشتري او پلورونکي ترمنځ د آسانه او ښو اړيکو زمينه برابريږي. او په هغه کې د يو بل پيدا کول آسانه کېږي او د تمې وړ بېې منځته راځي. د مالی شتمنيو په بازارونو کې د فعاليت کولو په خاطر د اطلاعاتي شفافيت لپاره لاره اوارېږي چې له کبله يې پانگوالو ته دښو تصميم نيونو فضا منځته راځي او د په موقع پرېکړو سره بېې يو بل ته تقرب کوي او واقعي بيوته نږدې کېږي. مالی بازارونه د اقتصادي ډيرونورو ښکارندو غوندې د شتمنيو د اړخونو او کارول شويو شتمنيو په اړوند يو له بله بېلېږي چې



مناسبه بیه ولري ډېر غوښتونکي جذب کولای شي. همدا راز دا بانکونه د شرکتونو د ادغام او په اړوند یې د مشورې ورکولو دندې هم تر سره کوي.

هسې چې وویل شول مالي نظام د تصدیو او کاروباریانو د مالي-پولي اړتیاوو د تمویل سرچینه ده او دا تبادلوی بهیر پر لېسې دوام مومي او له امله یې د ټولنې اقتصاد په حرکت کې وي. خو دا بهیر بې له ستونزو هم نه وي. څرنگه چې یو بانک او یا هم کومه بله مالي مؤسسه د خپل پایښت لپاره د اړتیاوړ پانگه د نورو د سپما او سرچینو څخه لاسته راوړي او متقاضیانو او پانگه والو ته یې د پانگه اچونو په خاطر د پور او اعتبار په بڼه ورکوي او په بدل کې یې یو څه ربحه اخلی ساده او بی له سرخوړی عمل نه دی، بلکې ډېر وختونه د لویو ستونزو سره مل وی چې به اقتصادي مفهوم د ((ریسک)) کلمه ورته کارول کیږي.

ریسک په عام مفهوم هغه خطرونه او نه ډاډمنی دي چې اعتبار ورکونکی بنسټ یې د اعتبار ورکولو په وخت کې باید په پام کې ونیسي چې آیا ورکړل شوی پور او د هغه اړوند فروعات (ربحه او...) په بیرته لاسته راوړل شي که نه؟ ځکه چې دا خطر تل د مالي مؤسساتو د ژوندا او کاروبار سره مل و او دی، او له امله یې مالي بنسټونه د دیوالي کېدو او بحرانی کېدولوی تاریخ لري او زمونږ په هېواد کې یې بېلگه د کابل بانک بحران و چې تر اوسه یې هم زمونږ پر ځوان بانکي نظام منفي اغېزې لیدل کیږي.

نو په دې تړاو اړینه ده د هېواد پور ورکونکي بنسټونه د پور ورکولو په وخت کې د هغه د بیرته او په وخت اخیستلو مسئله په غور او دقت سره وڅېړي. ځکه چې نن ورځ د مالي پولي بنسټونو د نړیوالي کېدو او د نویو ټکنالوژیو په مرسته د درغلیو او فساد د زیاتېدو له امله ریسک او رنکارنگ خطرونو ته لارې اوارې شوې دي. له دې کبله چې زمونږ مالی پولي نظام هسې هم کمزوری او ټکنی دی نو که زمونږ مالي بنسټونه دې موضوع ته پاملرنه ونکړي د لویو، لویو ستونزو سره لاس او گریوان کېدای شي.

بدلونونو سره سره د بانکونو ټولیزې پخوانۍ دندې نه دي بدلې شوې، خو په اقتصادي عرصو کې بدلونونو او نویو غوښتنو د بانکونو په وړاندې نوې دندې مطرح کړې دي. نو په دې خاطر ده چې په بېلو هېوادونو په تېره بیا په پر مختللو هېوادونو کې پر بانکي قوانینو له سره نظر شوی مقررات سپک شوي او بانکونه ته د قوانینو په چوکاټ کې آزادۍ زیاتې شوې دي.

- غیر بانکي مالی بنسټونه: دا ډول بنسټونه تر ډېر په مالي نظام کې تخصصي موسسې دي، چې په خپل اړونده څانگو کې مهارت او وړتیا لري. پانگه اچونکي بانکونه د عمر بیمې، عمومي بیمې، د مالي تأمین شرکتونه او پانگه اچونکي شرکتونه ددې ډول بنسټونو له ډلې څخه دي.

پانگه اچونکي بانکونه د معمولو سوداگریزو بانکو غوندې سپارنې نه منې بلکې خپلو مشتریانو ته د پانگې د بازارونو څخه د لویو پورونو د اخیستو د مشورو له لارې خدمت کوي. دا ډول بانکونه په پرمختللو هېوادونو کې د پانگې د تدارک او تأمین لپاره د پاموړ بنسټونه شمیرل کیږي. دا بنسټونه په ستراتیژیکو چارو لکه: پراختیا، جذب، مشارکت، د ونډ نشر او خرڅلاو، د تصدیو ادغام، لېږد او بدلولو او ملکیتونو په اړوند د مشورو بنسټونه دي. پانگه اچونکي بانکونه د خپلو ټاکلیو دندو د تر سره کولو او د متقاضیانو د تمویل په خاطر د پاموړ پروگرامونه پرمخیايي او په ضمن کې د پاموړ مؤسسې شمېرل کیږي.

دا بانکونه په لمړنیو بازارونو کې نشر شوې بهاداره پانې ((شناوره)) کوي. وروسته بیا په ثانوي بازارونو کې، دا بانکونه د نوموړیو پانې په پیر او پلور کې د دلال او اړیکو تأمینونکي به صفت د متقاضیانو غوښتنی ځواب کوي.

د پانگه اچونکو بانکو اساسي او لمړنی دنده د صادرونکو شرکتونو له خوا د تازه نشر شویو بها لرونکو پانېو خرڅلاو دی. په دې خاطر چې بها لرونکې پانې د هر شرکت د تمویل سرچینه ده نو په ټاکلي وخت او بیه د هغه خرڅېدل اهمیت لري. په دې ترڅ کې هغه وندې چې په بازار کې د ورته پانې په تناسب

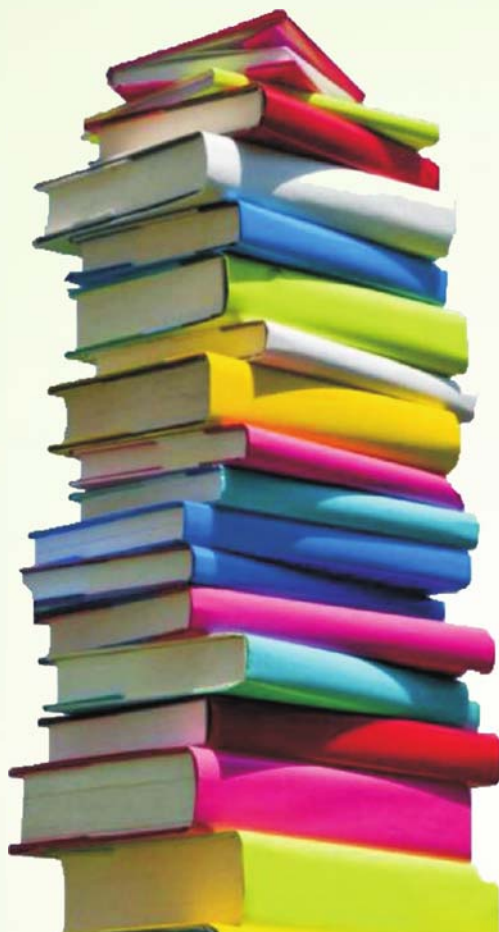


توسعه اقتصادی

کشورهای اروپایی مطرح شد. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها همراه با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین ۲ قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و ۲ طیف از کشورها در جهان شکل گیرند: ۱، کشورهای پیشرفته (یا توسعه یافته) ۲۰ کشورهای عقب مانده (یا توسعه نیافته).

با خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم و شکل گیری نظامی عمومی در جهان (در کنار به استقلال رسیدن بسیاری از کشورهای مستعمره‌ای)، این شکاف به خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سؤال اساسی مواجه کرد که «چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق به سر می‌برند و بعضی در رفاه کامل؟». از همین دوران اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت. بنابراین نظریات «توسعه» بعد از نظریات

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقاء بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی- اجتماعی اروپا (رنسانس) و انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز شد. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی غرب همراه شد کشور ژاپن بود. پس از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، توان فراوان این ملل، شکوفا و متجلی شد، اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه رشدی را تجربه نکرده و گاهی نیز سیری نزولی را طی کردند. البته گاهی نیز حرکت‌های مقطعی و موردی در این کشورها انجام شد، اما از آنجا که با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی نداشت و از آن حمایت نشد، سرعت از بین رفت. محمدتقی‌خان امیرکبیر در ایران، نمونه‌ای از این موارد است. مباحث توسعه اقتصادی از قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در



«توسعه اقتصادی» متولد شدند. در این دوران، بسیاری از مردم و اندیشمندان در کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم، تقصیر را به گردن کشورهای قدرتمند و استعمارگر انداختند. بعضی نیز مدرن شدن (حاکم نشدن تفکر مدرنیته بر تمامی ارکان زندگی جوامع سنتی) را علت اصلی می‌دانستند و «مدرن شدن به سبک غرب» را تنها راهکار می‌دانستند. بعضی دیگر وجود حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری در کشورهای توسعه نیافته و ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی این ملل را علت اصلی، معرفی می‌کردند. عده‌ای نیز «دین» یا حتی «ثروت‌های ملی» را علت رخوت و عدم حرکت مثبت این ملل، تلقی کردند. به هر تقدیر این که کدام علت اصلی و یا اولیه بوده است و یا اینکه در هر نقطه از جهان، کدامین علت حاکم بوده است از حوصله این بحث خارج است. آنچه برای ما اهمیت دارد درک مفهوم توسعه، شناخت مکاتب و اندیشه‌های مختلف و ارتباط آنها با مقوله توسعه اقتصادی و توسعه روستایی است. اطلاع از این اندیشه‌های جهانی ما را در انتخاب یا خلق رویکرد مناسب برای کشور خودمان یاری خواهد کرد.

توسعه اقتصادی چیست؟

دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» با یکدیگر تفاوت دارند. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است، اما توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. «رشد اقتصادی» به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد نظر به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود. برای دستیابی به عدد رشد واقعی باید تغییر قیمت‌های ناشی از تورم، استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر کرد.

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از: افزایش به‌کارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید) و به‌کارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد.

«توسعه اقتصادی» عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید به دست می‌آید، اما

در کنار آن نهادهای اجتماعی نیز متحول می‌شوند، نگرش‌ها تغییر می‌یابند، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش می‌یابد و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. همچنین ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرایند تولید تغییر می‌کند. توسعه، امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند صرفاً در بخشی از آن اتفاق بیافتد. توسعه، حد، مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است و هیچ محدودیتی ندارد.

توسعه اقتصادی ۲ هدف اصلی دارد: ۱۰ افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر ۲۰ ایجاد اشتغال. هر یک از این اهداف با عدالت اجتماعی همسو است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است، اما در کشورهای عقب مانده، ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

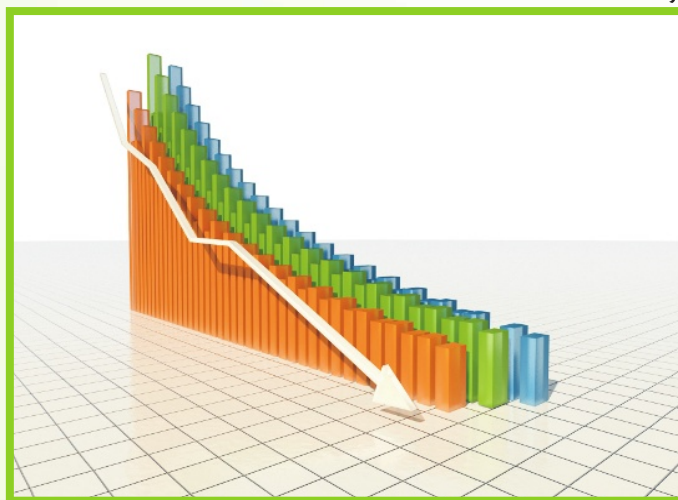
آموزش که تابعی از نرخ باسواد بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است.

مکاتب مختلف توسعه اقتصادی

از قرن ۱۸ و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه‌های اقتصادی ظهور کرد. این اندیشه‌ها، در پی تئوریزه کردن رشد در حال ظهور، علل و عوامل، راهکارهای هدایت و راهبری و بررسی پیامدهای ممکن بود. مکاتب پایه در توسعه اقتصادی عبارتند از:

۱- نظریه آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰)

اسمیت از مشهورترین اقتصاددانان خوشبین کلاسیک است که از او به عنوان «پدر علم اقتصاد» نام برده می‌شود. اسمیت و دیگر اقتصاددانان کلاسیک (همچون ریکاردو و مالتوس)، «زمین»، «کار» و «سرمایه» را عوامل تولید می‌دانستند. مفاهیم دست نامرئی «تقسیم کار»، «انباشت سرمایه» و «گسترش بازار»، چوکات نظریه وی را در توسعه اقتصادی تشکیل می‌دهند. تعبیر «دست‌های نامرئی» آدام اسمیت را می‌توان، به‌طور ساده، نیروهایی دانست که عرضه و تقاضا را در بازار شکل می‌دهند، یعنی خواست‌ها و مطلوب‌های مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات



تعقیب منافع خصوصی تولیدکنندگان آنان. وی معتقد بود «سیستم مبتنی بر بازار سرمایه‌داری رقابتی» منافع همه طرف‌ها را تأمین می‌کند.

اسمیت سرمایه‌داری را نظامی بهره‌ور با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان می‌دید. به خصوص بر اهمیت تقسیم کار (تخصصی

شاخص‌های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شاخص درآمد سرانه: درآمد سرانه از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن به دست می‌آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی کسب درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه‌یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دالر بوده است.
- شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجا که شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌شود و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌شود. در این روش، مقدار تولید کالاها در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌شود.
- شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI) کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به «توسعه پایدار» به جای «توسعه اقتصادی» به محاسبه شاخص درآمد پایدار می‌انجامد. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نیز در حساب‌های ملی منظور شده و سپس میزان رشد و توسعه به دست می‌آید.
- شاخص‌های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰ برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد کردند. برای مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی مک گرانهان (۱۹۷۳) اشاره کرد که بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه شده بود.
- شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی شد و براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌شود: درآمد سرانه واقعی، امید به زندگی و دسترسی به



اقتصادی نیز دارای نظریات دقیقی است.

الف- نظریه جمعیتی مالتوس: مالتوس معتقد بود با افزایش دستمزدها (فراتر از سطح حداقلی معیشت)، جمعیت افزایش می‌یابد، زیرا همراهی افزایش دستمزدها با افزایش میزان تولید، باعث فراوانی بیشتر مواد غذایی و کالاهای ضروری می‌شود.

ب- نظریه اشباع بازار مالتوس: مالتوس معتقد است که کارگران باید بیش از ارزش کالاهایی که تمایل به خرید آنها دارند ارزش ایجاد کنند تا توسط کارفرمایان استخدام شوند. این امر باعث می‌شود که کارگران قادر به خرید کالاهای تولیدی خود نباشند، بنابراین لازم است چنین کالاهایی توسط دیگر اقشار جامعه خریداری شود..

۳- نظریه ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۳)

ریکاردو با پذیرش نظریه جمعیتی مالتوس، به توسعه مکتب کلاسیک بنیان‌گذاری شده توسط اسمیت پرداخت. اسمیت بر «تولید» تأکید می‌کرد، اما ریکاردو بر بحث «توزیع درآمد» متمرکز شد و بعداً نئوکلاسیک‌ها بر «کارایی» متمرکز شدند. ۲ نظریه معروف او، «قانون بازده نزولی» و «مزیت نسبی» است:

از دیدگاه ریکاردو، افزایش بهره‌وری کشاورزی در مقایسه با صنعت، پایه اساسی رشد اقتصادی است. بهره‌وری زمین‌های کشاورزی در بلندمدت با پیشرفت فناوری، افزایش می‌یابد. ریکاردو تعقیب سیاست درهای باز برای تجارت آزاد را برای پایین نگهداشتن سطح دستمزدهای اسمی، توصیه کرده است.

شدن مشاغل) و قانون انباشت سرمایه به عنوان عوامل اولیه کمک‌کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌داری «ثروت ملل» تأکید می‌کرد. وی اعتقاد داشت «تقسیم کار» باعث افزایش مهارت‌ها و بهره‌وری افراد می‌شود. بنابراین افراد بیشتر تولید می‌کنند و سپس تولیدات خود را مبادله می‌کنند. اسمیت به توسعه بازارها و فروش مازاد تولید معتقد بود. اسمیت گمان می‌کرد که رشد اقتصادی تا زمانی ادامه خواهد داشت که سرمایه انباشته شده و موجب پیشرفت فناوری شود. وجود رقابت و تجارت آزاد، این فرایند را تشدید می‌کند.

آدام اسمیت اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در کشاورزی، صنعت و تجارت می‌دانست، زیرا معتقد بود به دلیل نیاز فزاینده‌ای که برای مواد غذایی وجود دارد کمبود آن و تأثیرش بر دستمزدها می‌تواند مانع توسعه شود. تئوری توسعه اقتصادی اسمیت، نظریه‌گذار از فتودالیسم به صنعتی شدن است.

۲- نظریه مالتوس (۱۷۶۶-۱۸۲۳)

شهرت مالتوس بیشتر به نظریه جمعیتی وی مربوط می‌شود حال آنکه وی در مورد مسائل اقتصادی نظیر اشباع بازار و بحران‌های





وی تحلیل خود را این گونه آغاز می کند که اقتصاد در تعادل ایستا قرار دارد و ویژگی آن «جریان دوری» است که برای همیشه تکرار می شود. در این سیستم اقتصادی، هر بنگاه در تعادل رقابتی کامل قرار دارد و هزینه های آن دقیقاً معادل درآمدهای آن و سود، صفر است. فرصت های سود وجود ندارد و خانواده ها نیز همچون بنگاهی در چنین حالتی به سر می برند.

راهبردهای مختلف توسعه اقتصادی

در طول چند دهه اخیر، کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط، فرصت ها، ساختار حکومتی و فرهنگ اجتماعی خود راهبردهای توسعه اقتصادی مختلفی را در پیش گرفتند. این راهبردها به طور کامل قابل تفکیک نیستند بلکه طیفی را تشکیل می دهند که راهبردهای ذیل در آن قرار می گیرند. هیچ کشوری به طور شفاف و مشخص هیچ یک از راهبردها را در پیش نمی گیرد بلکه تحلیل کارشناسان و مطالعه سیاست ها و برنامه های دولت ها مشخص می کند که هر کشور کدام راهبرد را انتخاب کرده است. از جمله راهبردهای توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۹۶۰ تا پایان دهه ۱۹۸۰ می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- راهبرد پولی
- ۲- راهبرد اقتصاد باز
- ۳- راهبرد صنعتی شدن
- ۴- راهبرد انقلاب سبز
- ۵- راهبرد توزیع مجدد
- ۶- راهبرد سوسیالیستی توسعه



Source: Articalefa.ar

ب- نظریه مزیت نسبی: براساس این نظریه، مبادله آزاد میان کشورها، باعث افزایش مقدار تولید محصول جهانی می شود. اگر هر کشوری به تولید کالاهایی روی آورد که توانایی تولید آنها را با هزینه نسبی کمتری دارد به راحتی می تواند مقداری از کالاها را با کالاهایی دیگر که ملت های دیگر قادر به تولید ارزان تر آنها هستند، مبادله کند

۴- مدل رشد کلاسیک

از مجموع دیدگاه های اقتصاددانان کلاسیک، مدل رشد اقتصادی کلاسیک سر برآورد. از دیدگاه آنان، توسعه اقتصادهای سرمایه داری، مسابقه ای بود بین پیشرفت فناوری و رشد جمعیت که در آن برای مدتی، پیشرفت فناوری اهمیت داشت، اما روزی این سرآمدی پایان خواهد یافت و اقتصاد سیر نزولی در پیش خواهد گرفت..

۵- نظریه کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)

مارکس برخلاف اسمیت، مالتوس و ریکاردو، سرمایه داری را غیرقابل تغییر نمی دانست. او به سرمایه داری به عنوان یکی از شیوه های تولیدی می نگریست که با کمون اولیه شروع شد، سپس وارد مرحله برده داری شد و پس از آن شیوه تولید فئودالیسم را در جوامع حاکم کرد. مارکس معتقد بود سرمایه داری، مرحله چهارم از شیوه های تولیدی رایج در جهان است و در نهایت فرو می پاشد. این فروپاشی به دلیل رکود نیست بلکه به دلایل اجتماعی خواهد بود و در نهایت جهان به مرحله ای نهایی به نام کمونیسم خواهد رسید. مارکس هوشمندانه دریافت که توزیع درآمد در جوامع سرمایه داری بسیار غیرمنصفانه و غیرعادلانه است. از نظر مارکس هر یک از شیوه های تولید (کمون اولیه، برده داری و فئودالیسم، سرمایه داری، سوسیالیسم و کمونیسم) دارای ۲ ویژگی عمده «نیروهای تولید» و «روابط تولید» هستند.

۶- نظریه شومپتر (۱۸۷۰-۱۹۵۰)

جوزف شومپتر اعتقاد داشت ماشین سرمایه داری علاوه بر اینکه قادر است نرخ های بالای رشد اقتصادی تولید کند، بلکه می تواند ضررهای اجتماعی آن را نیز جبران کند. او کاملاً از جامعه مدنی سرمایه داری خالص، لذت می برد و به آن تأکید می کرد. با این وجود شومپتر، رکود و فروپاشی سرمایه داری را باور داشت.



ماسټر ډبټ کارټ غزنفر بانک

مشتريان محترم می توانند با ماستر ډبټ کارټ غزنفر بانک هر مرتبه مبلغ 200 ډالر امریکایی و یا معادل آن به افغانی از طریق ماشین های ATM دریافت نمایند.

مقدار معامله در یک روز:

- معاملات نقدی: 5 مرتبه - مبلغ مجموعی 1000 ډالر
- خریداری از طریق ماشین های پاز: 15 مرتبه - مبلغ مجموعی 7500 ډالر

+93(0)792 214 214



مالیات و نقش آن در رونق اقتصادی

و باید اقرار کرد که اتکاء به منابع زیر زمینی آینده چندان در پی ندارد.

اما یکی از این درآمدهای پایدار که در بیشتر جوامع و دولت‌ها در تامین بودجه و هزینه های عمومی بسیار موثر است، «مالیات» است. که به درآمد پاک معروف می باشد. دولت ها با وضع مالیات می توانند باعث رشد و پیشرفت اقتصادی جوامع خود شوند به گونه ای که با هدایت کردن درآمد ناشی از مالیات به سمت سرمایه گذاری از طریق اعطای تسهیلات بلند مدت بانکی می توانند باعث رشد و شکوفایی و رونق نهادهای اقتصادی شده و در نتیجه با افزایش درآمد نهادها میزان درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش پیدا می کند. دولت ها می توانند با در نظر گرفتن مشوق های مالیاتی در مناطق کمتر توسعه یافته باعث جذب سرمایه گذاری در این مناطق شوند که این امر علاوه براینکه

آنچه که چرخ های اقتصادی یک جامعه را به حرکت در می آورد درآمدهای حاصل از فعالیت های نهاد های اقتصادی آن جامعه است. در این میان، برخی از جوامع از نعمت های خدادادی بهره مند می باشند که نقش کلیدی و بسیار مهمی در افزایش درآمدهای کشور ایفا می کند. ولی نکته قابل توجه این است که چنین درآمدهایی برای پیشرفت اقتصادی کشورها بصورت پایدار و همیشگی نمی باشد و در اینجاست که دولت ها باید به فکر درآمدهای ثابت و مستمر باشند. تحصیل ثروت از راه فروش منابع زیر زمینی رونق و پیشرفت نیست؛ چون این منابع همیشگی نیستند و روزگاری نه چندان دور تمام خواهند شد. در حال حاضر اقتصاد برخی از کشور ها به منابع زیر زمینی متکی است اما با فرهنگ سازی مالیه دهی و پرداخت مالیه به حساب دولت می توان شیوه رشد کشور را واقعی و همیشگی کرد. رشد بخش های مختلف صنعت و تجارت در گرو این نوع دیدگاه است



موجب عمران و آبادانی این مناطق می شود ، باعث رونق و شکوفایی اقتصادی و افزایش اشتغال و در نتیجه جلوگیری از مهاجرت به سمت شهرها می گردد.

مالیات از مهمترین عوامل موثر جهت مقابله با تقاضای اضافی برای کالاهای مصرفی می باشد که در نتیجه باعث پیشرفت و رفاه اقتصادی می شود. این پیشرفت از دو طریق صورت می گیرد اول آنکه در کشورهای در حال توسعه که اغلب وارد کننده کالاهای مصرفی هستند، این کاهش تقاضا باعث کاهش خروج ارز می شود. دوم آنکه مصرف کمتر باعث بالا رفتن پس انداز و افزایش میزان سرمایه گذاری در بخش های تولیدی اقتصاد می شود.

در حقیقت از طریق مالیات هاست که دولت در موقعیتی قرار می گیرد که بتواند فشارهای تورمی در داخل اقتصاد را کنترل نماید مالیات می تواند از طریق کنترل درآمدها موجب شود تقاضا برای کالاهای مصرفی کاهش یافته و در تعادل با عرضه قرار گیرد، این بدان معناست که تورم ناشی از فشار تقاضا را بوسیله مالیات، می توان از بین برد از سوی دیگر می توان با وضع تعرفه بر واردات که نوعی مالیات غیر مستقیم است، واردات را کنترل نموده و موجبات حمایت از تولیدات داخلی را فراهم آورد. پرداخت مالیات مهمترین عامل رشد و توسعه جامعه است و موجب توزیع عادلانه درآمدها، توجه بیشتر به بخش خصوصی، توجه به آبادانی و امور زیربنایی کشور، رونق اقتصادی، رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور از جمله، تورم و بیکاری و ایجاد عدالت اجتماعی در کشور می شود.

فرهنگ سازی مالیاتی؛ دستیابی به توسعه اقتصادی

نظام مالیاتی در جوامع به ابزاری تعیین کننده در چگونگی رسیدن به توسعه اقتصادی، تأمین عدالت اجتماعی، و سازمان دهی فعالیت های اقتصادی، مورد استفاده قرار می گیرد. به عبارت دیگر نظام مالیاتی یک متغیر موثر در توسعه اقتصاد است که علاوه بر تأمین منابع دولت باید در خدمت تولید و تشویق سرمایه گذاری توزیع مجدد درآمد، رونق بازار سرمایه و فراهم کننده رفاه عمومی بیشتر باشد و با در نظر گرفتن همه جانبه این شاخصهای مالیاتی می توان به افق های روشن توسعه اقتصادی دست یافت.

مالیات عامل موثری در جهت مقابله با تقاضای اضافی برای کالاهای مصرفی، کاهش شکاف بین درآمدهای طبقات ثروتمند و طبقات فقیر، موثرترین وسیله جهت انتقال منابع به بخش دولتی و هدایت آن ها به سمت طرح های مولد، اصلاح کننده روند سرمایه گذاری در اقتصاد است. لذا توسعه اقتصادی و بهره مندی از یک نظام مالیاتی مطلوب دو مقوله لازم و کافی هم هستند و برای رسیدن به این دو باید فرهنگ اقتصادی و مالیاتی جامعه را متریقی ساخت. برای رسیدن به این مهم، برپایی نظام مالیاتی مطلوب و عدالت محور حائز اهمیت است.

برقراری نظام مطلوب مالیاتی، موجب توزیع عادلانه تر درآمد و ثروت در بین افراد کشور می شود. به این ترتیب با دریافت نرخ های تصاعدی مالیات با توجه به درآمد و ثروت افراد جامعه (از یک سقف مشخص درآمدی)، از افراد پر درآمد و ثروتمند مالیات بیشتری دریافت می شود.

کشورهای توسعه یافته با فرهنگ سازی بهنگام مالیاتی توانسته اند این امر را در جوامع مسلط کنند که هدف از وضع مالیات رسیدن به دوهدف است. اول امتیاز های مالیاتی وانگیزه های مالی مشابه به منظور تشویق سرمایه گذاری های خصوصی. این نوع امتیاز های مالیاتی نوعاً به سرمایه گذاران خارجی خصوصی برای تشویق آنها به ایجاد مؤسسات اقتصادی در کشورهای درحال توسعه اعطا می شود.

هدف دوم از وضع مالیات ها، تجهیزمنابع به منظور تأمین مالی هزینه های دولت است. توسعه ی اقتصادی واجتماعی کشورهای درحال توسعه، بدون توجه به ایده های رایج سیاسی واقتصادی آنها تا حد زیادی درگروتوانایی این کشورهادرایجاد درآمدهای کافی برای تأمین مالی برنامه های ضروری و برنامه های خدمات دولتی فاقد درآمد مانند: بهداشت، آموزش، حمل و نقل، ارتباطات ودیگر اجزاء زیرساخت اقتصادی واجتماعی است .

از این رو مردم با بینش آگاهانه نسبت به مالیات، از سویی نقش خود و از سوی دیگر نقش مالیات در توسعه اقتصادی را در می یابند و نسبت به مشارکت بیشتر در فعالیتهای اقتصادی خوشبین خواهند شد.



نگاهی به اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۵

یافته و به یک درصد رسیده است. همچنین کشورهای اروپای غربی با رشد اقتصادی ۴/۱ درصدی، وضعیت نسبتاً باثباتی را تجربه کرده اند. منطقه آمریکای شمالی (شامل ایالات متحده آمریکا و کانادا) در سال ۲۰۱۵ با ۳/۲ درصد رشد مواجه شده است. گزارش اکونومیست نشان می‌دهد اقتصاد آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۵ با ۳/۳ درصد رشد مواجه شده است که نسبت به سال گذشته میلادی یک درصد بیشتر است. آمریکای لاتین نیز طی سال مذکور، رشد اقتصادی ۲/۲ درصدی را تجربه کرده است. همچنین ۱۰ کشور با بالاترین و پایین‌ترین رشد اقتصادی در این گزارش معرفی شده‌اند. بر همین اساس؛ پاپوا گینه‌نو با حدود ۱۵ درصد، بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است که بخش عمده این افزایش به جهت سرمایه‌گذاری در تولید گاز طبیعی است. ترکمنستان، کانگو، لائوس، ساحل عاج، جمهوری کانگو، موزامبیک، تانزانیا، سریلانکا و کامبوج از جمله کشورهایی هستند که بالاترین رشد اقتصادی را در سال ۲۰۱۵ به‌خود اختصاص داده‌اند.

براساس گزارش اکونومیست، سیرالئون با منفی ۵/۴ درصد پایین‌ترین رشد اقتصادی را در سال میلادی ۲۰۱۵ تجربه کرده است. اقتصاد کشورهای ماکائو، گینه‌استوایی، ونزوئلا، اوکراین، تیمور شرقی، پورتوریکو، صربستان و کرواسی نیز بر اساس این گزارش رشدهای منفی را پیش‌رو داشته‌اند.

نشریه معتبر «اکونومیست» هر ساله در آستانه سال نو میلادی، نتایج گزارش‌های خود را پیرامون اقتصاد کشورهای جهان منتشر می‌کند. در این تحقیق، رشد اقتصادی سرانه تولید ناخالص داخلی (براساس دو معیار قیمت‌های جاری و برابری قدرت خرید)، نرخ تورم و جمعیت کشورها بیان می‌شود. به‌علاوه هر سال ۱۰ کشور برتر که از دید بخش تحقیق این نشریه بهترین و بدترین وضعیت رشد اقتصادی را در سال موردنظر به خود اختصاص داده‌اند، معرفی می‌شوند.

بر این اساس، اقتصاد جهان که در سال ۲۰۱۴ با ۲/۲ درصد رشد مواجه شده بود با بهبود نسبی در سال ۲۰۱۵ حدود ۸/۲ درصد رشد را تجربه کرده است. بر اساس پیش‌بینی اکونومیست این رقم در سال ۲۰۱۶ در سطح ۸/۲ درصد ثابت باقی خواهد ماند.

همچنین براساس گزارش این نهاد؛ بالاترین رشد اقتصادی در سطح جهان در سال ۲۰۱۵ مطابق سال‌های گذشته متعلق به جنوب آسیا (چین و هند) و منطقه اقیانوسیه با ۷/۵ درصد بوده است.

منطقه صحرای آفریقا و خاورمیانه و شمال آفریقا به ترتیب با ۵/۴ و ۵/۳ درصد رشد در مکان‌های بعدی قرار دارند. رشد اقتصادی منطقه اروپا (شامل روسیه) در سال ۲۰۱۵ بهبود



افزایش تولید گاز در شمال کشور

دکتور داود شاه صبا وزیر محترم معادن و پترولیوم کشور در مراسم افتتاح این فابریکه ضمن قدردانی از مسوولان اداره محلی ولایت جوزجان و کارمندانی که در تکمیل این پروژه تلاش نموده بودند به شرکت کنندگان و مردم شبرغان، گفت: این گاز در فابریکه کود برق و شیشه سازی مزار شریف به مصرف خواهد رسید. وزیر معادن و پترولیوم کشور ضمن قدردانی از اداره محلی ولایت جوزجان، به کارمندان فابریکه و مردم این ولایت، وعده سپرد که ۱۸ کیلو متر سرک، از شهر شبرغان تا معدن یتیم تاق قیریزی خواهد شد و افزود که تطبیق این سه پروژه ظرفیت کاری انجینیران افغان را برای همکاری با پروژه تابی ارتقا خواهد بخشید. وی افزود: وزارت معادن و پترولیوم سرگرم کار روی بهره برداری از سه چاه گاز در جوزجان است که اساس کار احداث پارک انرژی افغانستان می باشد.

فعالیت آزمایشی این فابریکه دو ماه پیش آغاز شده بود و میزان تولید کود را در فابریکه کود و برق مزار شریف از ۱۰۰ هزار تن به ۱۲۵ هزار تن در شبانه روز افزایش داده که باعث افزایش ۳۰ درصدی عواید این فابریکه نیز شده است.

قابل یادآور است که برای نصب و متناژ این فابریکه مبلغ شش میلیون دالر اختصاص داده شده بود که کارگران و انجینیران ریاست تصدی افغان گاز توانستند دستگاه یاد شده را با مصرف دوصد هزار دالر امریکایی آماده و فعال سازند که با این حساب مقدار ۸،۵ میلیون دالر در قسمت فعال سازی این دستگاه صرفه جویی صورت گرفت که یک رقم قابل ملاحظه است.

نخستین فابریکه تولید گاز و جدا سازی سلفر از آن در ولایت جوزجان گشایش یافت.

در مراسم گشایش این فابریکه محترم دکتور داود شاه صبا وزیر معادن و پترولیوم، محترم عبدالقدوس حمیدی معین تنظیم امور معادن و شماری از روسای این وزارت و شماری از مسوولان اداره محلی ولایت جوزجان حضور داشتند.

با افتتاح این فابریکه تولید گاز در ولایت جوزجان، تولیدات گاز این ولایت به ۱،۵ میلیون متر مکعب در بیست و چهار ساعت رسید. این فابریکه در معدن یتیم تاق جوزجان توسط انجینیران افغان مونتاژ شده و تجهیزات آن از سوی ایالات متحده امریکا فراهم گردیده است.





تأیید اصلاحات اقتصادی افغانستان از سوی صندوق بین المللی پول

سال ۲۰۱۶ نیست به ۲۰۱۵ بلند برود، و با ازدیاد کمک ها عواید نسبت به مصارف افزایش یابد.

قابل تذکر است در آینده نزدیک مسئولین افغانستان و صندوق بین المللی پول روی یک پروگرام چندین ساله اقتصادی کار نمایند تا دولت افغانستان بتواند به پیشرفت اقتصادی، تقویت سکتور خصوصی و اشتغالزایی دست یابد.

قرار است در آینده صندوق بین المللی پول پیرامون اصلاحات اقتصادی با افغانستان کار نماید، همچنان صندوق بین المللی پول در زمینه کمک های شان به افغانستان تعهد نمودند.

در ارزیابی که پیرامون اصلاحات اقتصادی افغانستان در تاریخ ۲۶ حوت ۱۳۹۴ خورشیدی از طرف صندوق بین المللی پول صورت گرفت، پروگرامهای افغانستان در راستای جمع آوری عواید، تقویت سیستم بانکی، تنظیم کمک های مالی صندوق بین المللی پول و دیگر موارد مهم مورد تأیید قرار گرفت.

مسئولین صندوق بین المللی پول اصلاحات در بخش نظام مالی افغانستان را الی اخیر دسمبر سال ۲۰۱۵ قناعت بخش خوانده تقاضا نمود تا با وجود پیشرفت های صورت گرفته در بعضی از موارد اقدامات لازم صورت گیرد.

صندوق بین المللی پول انتظار دارد تا رشد اقتصادی





حمایت وزارت اقتصاد از تولیدات داخلی و سکتور خصوصی

تدارکات در گذشته بین دولت و برخی از شرکت ها، به عنوان یک امر محرم و پنهان مطرح بود، در حالیکه در حکومت وحدت ملی موضوع قراردادهای و تدارکات از نظر مردم، رسانه ها و شرکت ها پنهان نمی ماند و در یک پروسه شفاف به موضوع برخورد می شود. وزیر اقتصاد سیاست های اقتصادی دولت را مبتنی بر حمایت از تولیدات داخلی خواند و تأکید کرد که در پروسه تدارکات حق اولویت به تولید داخلی داده می شود. در صورتی که تولید داخلی نداشته باشیم به اجناس خارجی مراجعه می کنیم.

وزیر اقتصاد کشور با اشاره به کشورهای غربی افزود: اگر ما سکتور خصوصی قوی داشته باشیم، دولت ما نیز قوی می شود و اگر سکتور خصوصی ضعیف داشته باشیم، دولت ما نیز ضعیف می ماند. وی مشارکت عامه و خصوصی را در امر توسعه، کار آفرینی و زدودن فقر مهم خواند و از بخش خصوصی خواست در این زمینه نشست های بیشتری داشته باشیم. در این همایش رئیس تدارکات ملی، رئیس تدارکات وزارت داخله و نماینده وزارت دفاع ملی سخنرانی نمودند و حاضرین را در جریان پروژه ها و پروسه های تدارکاتی قرار دادند. در پایان جلسه، به پرسش های خبرنگاران جواب گفتند و از تولیدات داخلی که جهت نمایش در قسمت دیگر سالون کنفرانس ها آماده شده بود، دیدن نمودند.

کنفرانس یک روزه با حضور داشت، قانون پوه سروردانش معاون دوم ریاست جمهوری، عبدالستار مراد وزیر اقتصاد، نمایندگان وزارت های داخله، دفاع، اداره تدارکات ملی، نمایندگان سکتور خصوصی و رسانه ها در حمایت از تولیدات داخلی در کابل برگزار گردید.

محترم سروردانش معاون دوم ریاست جمهوری ضمن قدردانی از تلاش های وزارت اقتصاد در راستای برگزاری چنین همایش ها، درمورد نهادهای سازی و تقویت سکتور اقتصادی اظهار نمود: حکومت وحدت ملی از سکتور خصوصی و مشارکت عامه حمایت های همه جانبه می نماید. معاون دوم ریاست جمهوری تصریح کرد که سکتور خصوصی و سرمایه گذار در قدم نخست باید از امنیت فیزیکی و قانونی برخوردار باشد. وی تأکید کرد که دولت افغانستان مصمم بر حمایت از تجار و سرمایه گذاران است و بر حمایت های همه جانبه از سکتور خصوصی ادامه می دهد. معاون دوم ریاست جمهوری ثبات سیاسی را پیش شرط برای تقویت سکتور اقتصاد دانست و بر مدیریت پویا و استراتژیک از برنامه های کلان اقتصادی تأکید نمود.

محترم عبدالستار مراد وزیر اقتصاد در این همایش گفت: در پروسه های تدارکات دولت افغانستان، شفافیت را مبتنی بر قانون تدارکات رعایت می نماید و در زمینه برای سکتور خصوصی جایگاه بلند قایل است. وزیر اقتصاد گفت: موضوع



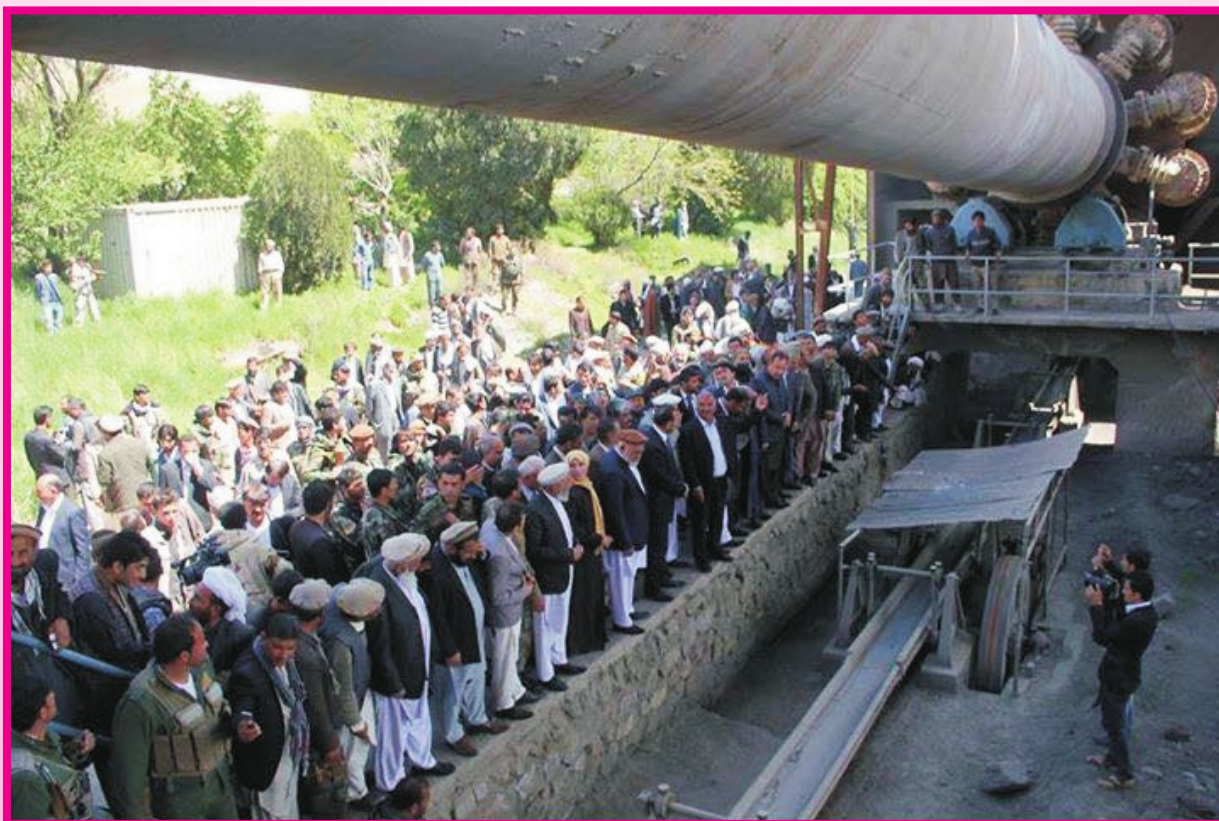
گشایش مجدد کارخانه تولید سمنت جبل سراج

ضمن سمنت تولید شده در این کارخانه از کیفیت بالایی برخوردار است. وی افزود که برای افزایش ظرفیت تولید کارخانه نیاز به سرمایه گذاری بیشتر و تغییر ماشین آلات این کارخانه است.

کارخانه تولید سمنت جبل السراج در سال ۱۳۳۷ با ظرفیت تولیدی ۱۰۰ تن در یک شبانه روز تاسیس شد. اما در دوران جنگ‌های داخلی این کارخانه از کار بازماند. بازسازی افغانستان با وجود تولید حدود ۱۴۰۰ تن سمنت در ۲۴ ساعت در کارخانه‌های تولید سمنت غوری، افغانستان را به یکی از وارد کنندگان بزرگ سمنت در منطقه تبدیل کرده است. طبق گزارش احصائیه مرکزی، افغانستان تنها در سال ۱۳۹۳ حدود ۳.۵ میلیون تن سمنت وارد کرده است.

کارخانه تولید سمنت جبل سراج طی مراسم با شکوهی روز سه شنبه مورخ ۱۷ حمل ۱۳۹۵ خورشیدی مجدداً گشایش یافت.

طبق گزارش وحید صدیقی، سخنگوی ولایت پروان به رادیو بی‌بی‌سی، این کارخانه که از سال ۱۳۷۵ غیر فعال شده بود، قدرت تولید صد تن سمنت را در ۲۴ ساعت دارد. به گفته سخنگوی ولایت پروان بازسازی این کارخانه حدود ۷۰ میلیون افغانی (بیش از یک میلیون دالر) هزینه داشته که توسط وزارت معدن کشور پرداخت شده است. او سرمایه دورانی این کارخانه را ۱۳۰ میلیون افغانی (حدود دو میلیون دالر) اعلام کرده است. وی افزود: اکنون ۱۵۰ نفر در این کارخانه استخدام شده و به صورت غیر مستقیم برای حدود ۵ هزار نفر شغل ایجاد شده است. در





Internet Banking

غزنفر بانک در کامپیوتر شما

مشتریان محترم میتوانند از این طریق صورت حساب خویش را ملاحظه و بررسی نمایند.



دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfearbank.com ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳



نقش خانواده در سلامت روان

کودک باشد، می توان به موفقیت فرد و خانواده در نیل به اهداف از پیش تعیین شده امیدوار بود.

بارتل - هرینگ (Bartle-Haring, ۱۹۹۷) معتقد

است، خانواده به منزله سیستمی است که در سازگاری روانی - اجتماعی نوجوانان نقش دارند. اگر خانواده نتواند نقش اساسی خود را در جهت فراهم نمودن محیط سالم و مناسب برای اعضای آن به خوبی ایفا نماید ممکن است منجر به آسیب های فراوان گردد.

سلامت روانی، سلامت جسمانی و سلامت اجتماعی امور حیاتی زندگی اند که به طور تنگاتنگی با یکدیگر در هم تنیده و شدیداً به هم وابسته اند. درک این رابطه در حال رشد است در ضمن سلامت روانی برای رفاه جوامع کشورها امری حیاتی است. متأسفانه در بسیاری از کشورها بهداشت روانی هنوز اهمیت بهداشت جسمانی را پیدا نکرده و مورد غفلت قرار گرفته است. در حال حاضر جهان با افزایش تعداد مبتلایان به اختلالات روانی و گسترش شکاف بین بیماری و درمان روبرو است.

بی شک خانواده بنیادی ترین، مهمترین و کوچکترین واحد اجتماعی است. خانواده در گستره زمان هم از لحاظ بعد دستخوش تغییر شده و هم از لحاظ کارکرد (بسیاری از کارکردهای خانواده را امروز نهادهای دیگر بر عهده گرفته اند) اما هنوز هم علیرغم این تغییرات، خانواده نقش بی بدیلی را در زندگی انسان ایفا می نماید.

کارگر شورکی یکتن از کارشناسان علوم اجتماعی معتقد است که در میان صاحب نظران و دانشمندان علوم اجتماعی، هیچ اختلاف نظر بر سر اهمیت والای نقش والدین در تحقق اهداف اجتماعی وجود ندارد و همگان در مورد جایگاه بی مانند خانواده در جامعه، اتفاق نظر دارند. از طرفی، اعتقادات، نگرش ها، فعالیت ها و اقدامات والدین در قالب الگوی خانوادگی نمود پیدا می کند و در صورتی که این الگوی اعمال شده از سوی پدر و مادر دارای تناسب و سازگاری کافی با سایر متغیرها و نیازهای اجتماعی



سبک استبدادی

کارشناسان معتقدند والدین دیکتاتور می کوشند تا رفتارها و نگرش های فرزندان خود را مطابق با مجموعه استانداردهای تدوین شده از طرف قدرت های بالا شکل دهی، کنترل و ارزیابی کنند. آن ها اطاعت را تنها راه برای جلوگیری از تعارض هنگام اختلاف عقاید و رفتارهای کودک با تفکرات والدین می دانند و معتقدند که کودک باید جایگاه والدین را درک نموده و به آن ها احترام بگذارد. بومریند (Baumrind, ۱۹۹۷) کارشناس امور اجتماعی معتقد است آن ها به روش های مختلف می توانند از استقلال فرزندان جلوگیری کنند و اگر زمانی برخی مسئولیت های امور خانه را به فرزندان می سپارند در پی آن هستند تا با توسل به زور و اجبار روش درست انجام کار را به ایشان بفهمانند. آن ها تعاملات کلامی میان والدین و فرزندان را تشویق نمی کنند و معتقدند کودک باید از پدر و مادر اطاعت و حرف شنوی داشته باشد زیرا بزرگترها هستند که همواره مسائل را درست تشخیص می دهند. نظم و کنترل در این خانواده ها شدید و لازم الاجراست. والدین دیکتاتور به خاطر شخصیت ویژه خود و نیز بیم از دست دادن کنترل و اقتدارشان درصد آن هستند تا تلاش های مستقلانه کودکان را ممانعت نمایند. البته تمام والدین دیکتاتور چنین نیستند و برخی علیرغم دیکتاتور بودن، اجازه فعالیت های مستقلانه را نیز می دهند. اما به طور کلی الگوی اقتدارگرا مانع موفقیت ذهنی و فکری فرزندان می گردد.

سبک دموکراتیک

والدین دموکرات کودک را به عنوان فردی می نگرند که باید مراحل مختلف و متعدد رشد و بلوغ را طی کند، اما این طی مسیر را خودکار نمی دانند بلکه دخالت های برنامه ریزی شده خود را نیز موثر و ضروری می شمارند. البته مشکلات مربوط به انضباط و تربیت در خانواده های دموکرات نیز رخ می دهد. در چنین مواقعی اعمال مستقیم قدرت برای تقویت اقتدار والدین به منظور تحقق استانداردهای مورد نظر استفاده می شوند. والدین دموکرات گاهی ممکن است از نوعی ابزار کنترل بهره بگیرند که در حالت عادی غیر ضروری به نظر می رسد تا در شرایطی از اصلاح رفتار یا تحریک کودک مطمئن شوند.

طبق گزارش سال ۲۰۰۱ سازمان بهداشت جهانی (WHO) حدود ۴۵۰ میلیون انسان مبتلا به حداقل یک اختلال روانی یا رفتاری که فقط تعداد اندکی از آنها از حداقل امکانات درمانی برخوردار بودند. بودجه بهداشت روانی اکثر کشورها کمتر از ۱٪ کل بودجه بهداشتی را تشکیل می دهد. بیش از ۴۰٪ از کشورها در زمینه بهداشت روانی فاقد سیاستگذاری بوده و بیش از ۳۰٪ برنامه بهداشت روانی نداشتند. بیش از ۹۰٪ کشورها فاقد برنامه های بهداشت روانی بودند که قادر باشد کودکان و نوجوانان را در برگیرد. علاوه بر این ها، برنامه های بهداشتی عمدتاً اختلالات روانی و رفتاری را در همان سطح سایر بیماری ها در بر نمی گرفت.

نقش خانواده در زندگی بشر از ابعاد مختلف قابل بررسی است از آن جا که نمی توان به همه آن ابعاد پرداخت این مقاله تمرکز بر نقش سبک های تربیتی خانواده بر سلامت روانی افراد دارد. ابتدا به تعریف خانواده، سبک های تربیتی، سلامت روانی، تحقیقاتی که در رابطه بین نقش سبک های تربیتی خانواده در سلامت روانی انجام یافته، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات خواهیم پرداخت.

خانواده

خانواده عبارت است از اجتماع ثابت و قانونی پدر و مادر و فرزندان. این اجتماع کوچک که مبتنی بر حقوق، مناسبات و تکالیف فردی و جمعی است بر حسب ظاهر، ناشی از ضرورت طبیعی است. خانواده نظام نیمه بسته است که نقش ارتباطات داخلی را ایفاء می کند و دارای اعضایی است که وضعیت ها و مقام های مختلفی را در خانواده و اجتماع احراز کرده و با توجه به نقش، وضعیت ها، افکار و ارتباطات خویشاوندی که مورد تایید جامعه ای است که خانواده جزء لاینفک آن است، ایفای نقش می کند.

سبک های تربیتی خانواده

تاکنون طبقه بندی های مختلف و متنوعی از سوی علمای جامعه شناسی، روان شناسی در خصوص سبک های تربیتی خانواده ارائه گردیده که می توان آن ها را به سه دسته کلی تقسیم کرد: سبک استبدادی، سبک دموکراتیک و سبک سهل گیر یا آسان گیر. حال به توضیح مختصر هر یک می پردازیم .



برتر خود. در این خانواده ها به جای کنترل به کودک اجازه می دهند تا خود تنظیمی داشته باشد و فارغ از مقاومت و بدون نگرانی از عواقب کارهایش، به فعالیت بپردازد. صاحب نظران طرفدار این شیوه، خودتنظیمی را حق کودک برای زندگی به صورت آزاد بدون اقتدار و فشار خارجی دانسته و معتقدند که کودک باید هر کاری را هر موقع که اراده کند، بتواند انجام دهد و همیشه مورد احترام، حمایت و محبت باشد.

سلامت روانی

سلامت روانی نوعی از سلامت است که به قسمت خاصی از انسان مثل هوش، ذهن، حال، روح و روان اشاره دارد. سلامت روان تاثیر مستقیم روی سلامت کل بدن انسان دارد. اخیراً یک انجمن بهداشت روانی کانادا، بهداشت روانی (سلامت روانی) را در سه قسمت تعریف کرده است:

- ۱- نگرش های مربوط به خود: مانند تسلط بر هیجانهایی خود، آگاهی از ضعف های خود در رضایت از خوشی های ساده.
- ۲- نگرش های مربوط به دیگران: امثال علاقه به دوستی های طولانی و صمیمی، احساس تعلق به یک گروه و احساس مسئولیت در مقابل محیط انسانی و مادی.
- ۳- نگرش های مربوط به زندگی: نظیر پذیرش مسئولیت ها، ذوق توسعه امکانات و علایق خود، توانایی اخذ تصمیمات شخصی و ذوق خوب کار کردن.

علم بهداشت روانی با چهار هدف شکوفایی توان بالقوه، شادکامی، رشد و تحول هماهنگ و زندگی موثر و کارآمد سعی می کند از طریق آموزش به کارکنان بهداشت روانی، پیشگیری، درمان اختلالات روانی و حفظ و تداوم بهداشت روانی در اشخاص سالم شرایطی ایجاد کند که ثروتمندان جامعه بتوانند در خانه، مکتب، جامعه، محیط کاری و نهایتاً با خویش سازگار شوند.

سلامت روانی فرد عبارت است از قابلیت فرد در ایجاد ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران و توانایی در تغییر و اصلاح محیط اجتماعی خویش و حل مناسب و منطقی تعارض های هیجانی و تمایلات شخصی خود. بنابر این تعریف شخصی که بتواند با خود و محیط خود (اعضای خانواده، هم صنفی ها،

مطالعات متعدد و گسترده ای توسط دانشمندان مختلف در زمینه شناسایی اثرات الگوی خانوادگی دموکراتیک بر شایستگی ها و توانایی های افراد صورت گرفته است. به عنوان مثال بومریند (۱۹۷۱) معتقد است الگوی دموکراتیک، مسئولیت پذیری و بلوغ اجتماعی افراد را به دنبال دارد. گریبل و همکاران (Gribble, et al., ۱۹۹۳) معتقدند روابط مثبت میان والدین و فرزندان در محیط خانوادگی منجر به رفتارهای مناسب هنگام مواجهه با سختی ها و دشواری ها خواهد شد. گالیمور و کوردک (Gallimore & Kurdek, ۱۹۹۲) معتقدند رابطه معکوسی نیز بین میزان دموکرات بودن خانواده و افسردگی نوجوان ثابت گردیده است.

بومریند (Baumrind, ۱۹۶۵) معتقد است والدین دموکرات می کوشند که فعالیت های کودک را در مسیری منطقی و واقعی هدایت کنند. آن ها تعاملات کلامی را تشویق می کنند و در استدلال و توجیه قوانین و تصمیمات با فرزندان شریک می شوند. این گونه والدین کنترل مناسب و متعادل اعمال می نمایند اما با ممانعت و سختگیری زیاد باعث سرخوردگی کودک نمی شوند. آن ها علایق فردی کودک و دیدگاه و روش خاص او را تشخیص داده و درک می کنند. آن ها به ویژگی های کودک با دید مثبت می نگرند ولی استانداردهایی را نیز برای بهبود آن ها در آینده وضع می کنند. این والدین برای رسیدن به اهداف شان از استدلال منطق و قدرت به صورت اقتضایی استفاده می کنند و تصمیمات شان را بر مبنای تمایلات فردی کودک قرار نمی دهند.

سبک سهل گیر یا آسان گیر

بومریند (۱۹۷۱) معتقد است والدین سهل گیر/ آسان گیر می کوشند تا به گونه ای غیر تنبیهی، پذیرشی و مثبت با انگیزه ها و کنش های کودک رفتار کنند. آن ها در مورد تصمیم گیری ها با فرزند مشورت نموده و برای قوانین خانواده به او توضیح می دهند. تقاضای کمی از وی برای مسئولیت پذیری در امور خانه و رفتار منظم و دقیق دارند و خود را به عنوان منبعی برای کودک جهت هر گونه استفاده دلخواه معرفی می کنند. آن ها به کودک اجازه می دهند فعالیت هایش را خودش تنظیم کند، از اعمال کنترل خودداری کرده و کودک را به اطاعت از استانداردهای بیرون تشویق نمی کنند. آن ها می کوشند تا از منطق و ظرافت برای تحقق اهداف شان استفاده کنند نه از قدرت



همکاران، همسایگان و به طور کلی اجتماع) سازگار شود از نظر سلامت روانی به هنجار خواهد بود. چنین فردی با تعادل روانی رضایت بخش زیست خواهد کرد. تعارض های خود را با دنیای بیرون خود حل خواهد نمود و در مقابل ناکامی های اجتناب ناپذیر زندگی مقاومت خواهد داشت.

به نظر گلاسز یکی از کارشناسان امور روانی، انسان سالم کسی است که دارای این ویژگی ها باشد:

- ۱- واقعیت را انکار نکند و درد و رنج موقعیت ها را با انکار کردن نادیده نگیرد، بلکه با موقعیت ها به صورت واقع گرایانه روبرو شود.
- ۲- هویت موفق داشته باشد یعنی هم عشق و محبت بورزد و هم عشق و محبت دریافت نماید. هم احساس ارزشمندی کند و هم دیگران احساس ارزشمندی او را تایید کند.
- ۳- مسئولیت زندگی و رفتارش را بپذیرد و به شکل مسئولانه رفتار کند. پذیرش مسئولیت کامل ترین نشانه سلامت روانی است.

- ۴- توجه او به لذات درازمدت، منطقی و منطبق با واقعیت باشد.
- ۵- بر زمان حال و آینده تاکید نماید نه بر گذشته و تاکید او بر آینده نیز جنبه دورنگری داشته باشد، به صورت خیالپردازی نباشد.

پیشینه پژوهش

پارکر (Parker, ۱۹۸۳) معتقد است سبک تربیتی والدین همبستگی معناداری با کارکرد خانواده و افسردگی نوجوانان دارد. کارکرد خانواده از شکل آن مستقل بوده و به الگوی خانوادگی بستگی دارد. والدینی که در ارتباط با فرزندانشان از عاطفه و همدردی بیشتری برخوردارند میزان خود احترامی بیشتری را در کودکانشان تشویق می کنند و این مانع افسردگی آنان در بزرگسالی خواهد بود. اما کنترل زیاد از طریق منع استقلال و شایستگی اجتماعی باعث افزایش افسردگی می گردد. البته روابط خوب میان پدر و نوجوان باعث کاهش مشکلات تربیتی والدین و مسائل رفتاری آنان خواهد بود. کنترل مناسب، روابط شفاف، گرمی و عاطفه و اعمال مناسب و هماهنگ قدرت رابطه مثبت و





که کنترل والدین باعث ارتقای جامعه پذیری اثربخش خواهد بود و مسئولیت پذیری اجتماعی، خودکنترولی، استقلال و خوداحترامی را در فرزندان باعث می شود اما این کنترل باید در حدی منطقی و متعادل باشد .

مستقیمی با شایستگی، توانایی حل مساله، رفتار اجتماعی، کنترل هیجانات، خود احترامی، کاهش تهاجم و خشونت دارد.

واتسون (Watson, ۱۹۵۷) معتقد است نظارت بسته، تقاضاهای زیاد و نامتناسب و سایر مظاهر اعمال قدرت باعث تمرّد،



پژوهش های بسیاری به بررسی چگونگی برخورد والدین با انواع آسیب های روانی پرداخته اند. برخی از کارشناسان معتقدند والدین نه تنها از فرزند مراقبت می کنند و از او در برابر خطرهای حمایت می کنند، او را در آشفتگی ها یاری می کنند، نیازهای او را برآورده می کنند، از او حمایت می کنند بلکه به او این پیام را می دهند که از بودن با او لذت خاصی می برند. این پژوهش ها نشان می دهد که والدین و اثر الگوی تربیتی آن ها و خاطرات مربوط به تعاملات فرزند آن ها تنها در دوره کودکی بر فرزند موثر نیستند بلکه می توانند اثر خود را تا جوانی و بزرگسالی فرزند بر وی داشته باشند.

سرکشی و طغیانگری فرد به ویژه در بزرگسالی خواهد شد و در حالی که سخت گیری و خشونت باعث سرخوردگی و برخورد خصمانه فرزند می شود، ولی کنترل متعادل و مناسب باعث رشد و بالندگی افراد می شود. زمانی که والدین به صورتی خصمانه نامهربان و محدود کننده تقاضاهای زیادی از کودکان داشته باشند، منجر به خشونت و سرکشی آن ها می شود.

هافمن (Hoffman, ۱۹۶۰) معتقد است کنترل شدید باعث افت خلاقیت کودکان می شود و عده ای بر این اعتقادند که والدین غیر آزاد حتی زمانی که اقتدار منطقی اعمال نموده و کودکان را به برخی تصمیم گیری های شخصی مستقلانه تشویق می کنند، باز هم به نوعی وی را مجبور به رعایت استانداردهای خود کرده اند. بچه ها معمولا باید یاد بگیرند که به والدین وابسته باشند، به دنبال جلب موافقت آن ها بوده و از اقتدار آن ها اطاعت کنند. بومریند (Baumrind, ۱۹۶۶) معتقد است

فواید درخت و غرس نهال



گر چه متأسفانه با پیشرفت تکنولوژی، تخریب جنگل ها و نابودی درختان رو به افزایش است، اما جای خوشبختی است که بشر امروز به این عمل زشت خود اقرار دارد و سازمان هایی را برای حفظ و حراست و گسترش پارک ها و ازدیاد درختان به وجود آورده است. و به حفظ و حراست درختان و جنگل ها کوشش های چشمگیری انجام گرفته است، و سالانه میلیون ها درخت در سراسر جهان غرس می شود.

برای پی بردن به اهمیت درخت و درختکاری و نقش آن ها در حفظ طبیعت و زندگی انسان، تعدادی از فواید آن به شرح ذیل است:

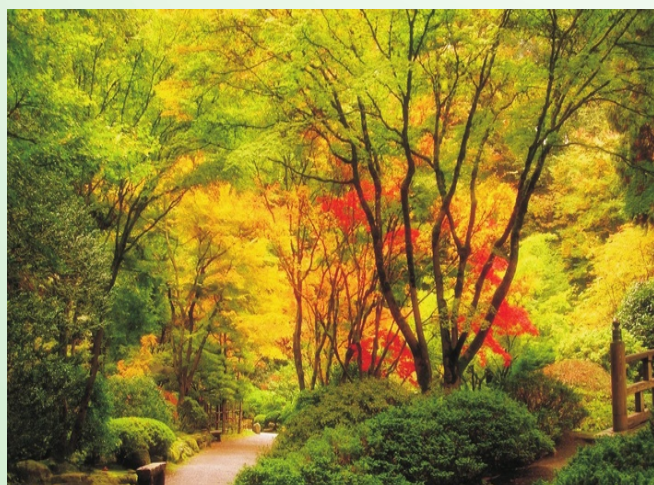
درخت یکی از زیباترین مظاهر خلقت و جلوه ای از تجلیات آفریدگار عالم است. درخت نماد آبادانی و شاخص سبزی و خرمی و مظهر زندگی و باعث تلطیف هوا و موجب آسایش و رفاه مردم و صفا و پاکی طبیعت می باشد. در دین مقدس اسلام هم به نقش و اهمیت این نعمت و موهبت عظیم پروردگار عالم اشاره شده است. حتی بسیاری از پیامبران ما کشاورز و باغدار بودند و با دست خود به کاشت و برداشت درختان اقدام می کردند و به این وسیله در عمران و آبادانی زمین اهتمام می ورزیدند. پیامبر اکرم (ص) نیز علاوه بر دامداری و تجارت، به کشت درختان و زراعت اقدام می فرمود و در حفظ درختان، حتی در جنگ با دشمنان و اشغال سرزمین آن ها، به سربازان اسلام تاکید می فرمود. اهمیت درخت را درک کنند و به غرس نهال اقدام کنند.



۸. سایه و ریشه درختان، در حفظ و رشد گیاهانی که نمی توانند ریشه خود را برای جذب آب به اعماق زمین بفرستند و یا طاقت تحمل تابش مستقیم نور خورشید را به ویژه در فصل گرما و تابستان ندارند و یا نمی توانند در مقابل باد و باران های تند مقاومت نمایند، تأثیر به سزایی دارند.

۹. در فصل خزان کشاورزان، باغداران و گل و گیاه کاران از کود ساخته شده از انبوه برگ درختان استفاده لازم را می نمایند. در فصل خزان، انبوه برگ ریخته شده از درختان می تواند «برکود» متراکمی بسازد که هوموس یا سیاکاک (گیاکاک) نامیده می شود. این ماده خاصیت «گلوئیدی» دارد و نگهداری آب توسط خاک را افزایش می دهد. هوموس، مواد معدنی خاک را نیز جذب می کند و از هدر رفتن آن ها جلوگیری می نماید. لذا هوموس را با خاک مخلوط می کنند تا مواد مغذی ضروری برای رشد گیاه را تأمین نماید.

۱۰. بسیاری از درختان از قدیم الایام، در صنعت داروسازی و عطاری و حتی به دست آوردن نوعی چسب مورد استفاده قرار می گیرند، مثلاً بهترین ماده ضد عفونی کننده از برگ درخت سدر و سنج، بهترین رنگ مو از درخت حنا، بهترین مواد خوشبوکننده از چوب درخت عرعر و بهترین نوع عطر برای رفع خستگی در کارگاه هایی که می خواهند ظرفیت تولیدی شان را بالا ببرند، از درخت سرو به دست می آید.



۱. طبیعت بدون درخت، ناموزون و زشت می گردد. وجود جنگل و درخت در صحنه طبیعت و زندگی انسان، باعث زیبایی، شادی، سرسبزی، آسایش، رفاه، صفا، پاکی و طراوت می شود.

۲. درختان نبض زمین هستند و مایه حیات انسان و حیوان و حتی بعضی از گیاهان، زیرا درختان با جذب گازهای سمی از جمله دی اکسید کربن و تولید اکسیجن که یکی از اساسی ترین نیازهای حیات انسان و حیوان است، باعث دوام حیات انسان و سلامت چرخه طبیعت می شوند. اما کمبود درختان و تخریب و نابودی جنگل ها به ویژه در این عصر دود و زندگی ماشینی، موجب انقراض نسل انسان و حیوان خواهد شد.

۳. برگ و شاخه های درختان بخش مهمی از تغذیه حیوان و گاه انسان را فراهم می سازند و در تولید گوشت مصرفی انسان (با تغذیه دام ها از گیاهان) نقش اولیه را دارند.

۴. میوه بسیاری از درختان مورد استفاده انسان و حیوان است، به طوری که می تواند در تغذیه انسان و تأمین ویتامین های مورد نیاز او تأثیر به سزایی داشته باشد. در فواید گیاه و گیاه خواری در دستورات طبی و حتی دینی توصیه های زیادی شده است.

۵. چوب درختان در صنایع چوب و تأمین بخش مهمی از وسایل مورد نیاز زندگی انسان نقش اساسی دارند. انسان از دیرباز برای امرار معاش و همچنین ساختن ابزار و ادوات مورد نیاز خود به منابع طبیعی وابسته بوده است به طوری که امروزه بسیاری از مبل و لوازم خانگی، لوازم التحریر، کاغذ، ساختمانها و سایر مایحتاج خود را از طریق چوب درختان جنگل تأمین می کند.

۶. درختان می توانند در جلوگیری از فرسایش خاک مفید زمین در هنگام سیل نقش مهمی داشته باشند.

۷. درختان در تغییر و تبدیل آب و هوا و اعتدال آن نقش به سزایی دارند. تشکیل جنگل و توسعه آن، نه تنها تأثیر اساسی در روند آب و هوا دارد، بلکه در حشر و نشر پرندگان، چرندگان و دیگر حیوانات اهلی و وحشی و نهایتاً تعادل در چرخه طبیعت نقش ارزنده ای دارد.



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK



جعبه های محفوظ (Safe Deposit Lockers)

سهولت جعبه های محفوظ یکی از خدمات غزنفر بانک برای نگهداری اشیای قیمتی و اسناد معتبر مشتریان می باشد. این جعبه ها که در یک اتاق مستحکم قرار دارند، اسناد و اشیای قیمتی مشتریان را از خطر سرقت، آتش سوزی و دیگر حوادث طبیعی و غیرمترقبه مصئون نگه می دارد. برخی از این صندوق ها با ترکیب دو کلید و برخی دیگر با ترکیب سه کلید باز و بسته می شوند، یک کلید به نام ماستر کلید نزد بانک و کلید های دیگر نزد کرایه گیرنده می باشد. این کلید ها توسط یک کد تعریفی مناسب شناسایی می گردند.

۸۶۶، سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی : ۵۵۹۸

۰۷۹۷۸۶۰۰۰۳ / ۰۷۹۸۷۸۶۷۸۶

Mainbranch@ghazanfarbank.com



نقش محبت در زندگی خانوادگی

با نشاط و خرمی زندگی کنند، اگر می خواهیم استعدادهای خداداد در آنان شکوفا گردد و اگر می خواهیم روح امید و اعتماد و تلاش و کوشش در آنان زنده شود. زندگی خانوادگی را از مهر و محبت لبریز و سرشار نماییم و در و دیوار خانه را با صفا و صمیمیت آذین بندی کنیم.

رسول اکرم (ص) فرموده است: هیچ بنایی در نزد پروردگار محبوب تر از بنای خانوادگی نیست. بدیهی است که منظور خانواده ای است که لبریز از مهر و محبت باشد. در گفتار دیگری فرموده است. مرد مسلمان پس از اسلام فایده ای برتر و والاتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است. همسری که هر گاه به او می نگرد سراسر وجودش از شادی و سرور لبریز می گردد. هر گاه از او چیزی را طلب می کند از او اطاعت می کند و درغیبت شوهرش با همه وجود از ناموس و مال او پاسداری می نماید. واضح است که این گونه ارتباط استوار و صمیمی جز در پرتو مهر و محبت زن و شوهر به یکدیگر امکان پذیر نیست.

نظام هستی بر اساس مهر و محبت پروردگار به انسان پدید آمده است اگر محبت نبود، نه طلوعی بود و نه غروبی. نه بهاری بود و شگفتن گلها و نه نغمه های شورانگیز بلبلان. نه کوهساری وجود داشت و نه آشناری.

دفتر زندگی با کلمه عشق و محبت آغاز شد و جلوه های گوناگون جمال و کمال در کل هستی پدید آمد. انسانها هم که جزئی از نظام کلی هستی هستند با عشق متولد می شوند با دلدادگی به تلاش و کوشش می پردازند و در آخرین لحظات زندگی سرشار و لبریز از عشق و دلدادگی چون حبابها به اقیانوس هستی و ابدیت می پیوندند. پس آغاز و سرانجام زندگی و هستی از مهر و محبت آکنده است و آنانی که از عشق و دلدادگی خبری ندارند نامشان در دفتر و جریده انسانها ثبت و ضبط نمی شود.

اگر می خواهیم خانواده استواری داشته باشیم اگر مایل هستیم از زندگی لذت و بهره بگیریم، اگر می خواهیم کودکان ما



پیوندهای عاطفی است که زن و شوهر را به وحدت و یگانگی سوق داده هر دو یکی می شوند و دوگانگی و اختلاف و درگیری از میان برداشته می شود. در برخی از روایات اسلامی از همسر به انیس موافق تعبیر شده است.

در دین مقدس اسلام هم تاکید شده است که زن و مرد در محیط خانوادگی باید با یکدیگر دوست و صمیمی و مونس و همدم یکدیگر باشند. واضح است که وصول به این هدف جز در پرتو دوستی و صمیمیت خالصانه امکان پذیر نیست. پس کانون خانوادگی باید از مهر و محبت لبریز باشد تا زندگی مفهوم واقعی خود را از دست ندهد.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که زن و شوهر چگونه باید با یکدیگر برخورد داشته باشند تا کانون خانوادگی از مهر و محبت لبریز گردد. در پاسخ می گوئیم که هیچ معلولی بدون علت تحقق نمی یابد. برای ایجاد صفا و صمیمیت باید رفتارهای خاصی در محیط خانوادگی حاکمیت داشته باشد تا صفا و یگانگی فراهم آید به همین مناسبت به رفتارهایی که موجب ایجاد صفا و صمیمیت می شود اشاره می کنیم.

۱- اولین عاملی که موجب پدید آمدن صمیمیت می شود خوش اخلاقی است. بدیهی است که منظور از حسن خلق نرمی و ملایمت و تحمل و شکیبایی است. زن و مرد باید سعی کنند در ارتباط با همدیگر روحیات انسانی را در حد کمال مراعات کنند و از تندى و تیزی و عصبانیت و حساسیت ها جداً پرهیز نمایند.

۲- دومین عاملی که صفا و صمیمیت را در محیط خانوادگی فراهم می آورد خوش زبانی است. زن و مرد خانواده باید از ابراز هر نوع کلمات و الفاظ زننده و کوبنده اجتناب کنند و هرگز نسبت به یکدیگر زخم زبان نزنند زیرا هیچ عاملی همانند نیش زدن به صمیمیت خانواده لطمه وارد نمی کند. رسول اکرم (ص) در طول زندگی خود در ارتباط با مسائل شخصی و خانوادگی هرگز زبان به انتقاد نگشود و اگر اعتراض و انتقادی می کرد در انحصار مواردی بود که به حدود و قوانین الهی تجاوزی به عمل آمده بود و در غیراین صورت با سکوت و نادیده گرفتن گذشت می کرد.

۳- سومین نکته که بسیار حساس است و در ایجاد و حفظ صمیمیت ها نقش مؤثر را عهده دار است خوش برخوردی است.

همه افراد علاقه دارند که دیگران با آنان برخورد خوبی داشته باشند. بنابراین زن و مرد هم از این قاعده کلی مستثنی نیستند. هر مردی دوست دارد وقتی به خانه قدم می گذارد همسرش با چهره ای خندان و با گشاده رویی با او برخورد کند. چنانکه زن خانه نیز متوقع است وقتی مرد وارد خانه می شود سختی ها و دشواری های زندگی را فراموش کند و با چهره ای متبسم و خندان با همسرش مواجه شود. فراموش نکنیم که برخوردهای اولیه افراد بسیار مؤثر و نقش آفرین است. به عنوان مثال سبقت گرفتن در سلام را و افشای سلام در برخوردها تأثیر بسزایی در دیگران دارد و روحیه ها و رفتارها را تغییر می دهد. به اعتقاد ما یکی از نشانه های بارز خردمندی در زن و مرد خوش برخوردی است، عده کمی هستند که از این توانایی برخوردارند. این گونه افراد در اولین برخورد با دیگران اعم از خردسال و بزرگسال آنان را شیفته و مجذوب خود می کنند و در برابر این عده بسیاری از مردم نیز برخوردی خشک و ساده دارند.

۴- نکته چهارم که در ابقای صمیمیت ها بسیار مؤثر می باشد این است که در زندگی خانوادگی، زن و مرد احترام یکدیگر را حفظ کنند و در برابر اعضای خانواده و بیگانگان رفتارشان با یکدیگر آنچنان گرم و صمیمی باشد که همه گمان کنند آن دو از کثرت گذشته به وحدت و یگانگی واقعی رسیده اند. در انجام امور خانوادگی و فامیلی از تک روی پرهیز نمایند و تا رضایت و تمایل طرف مقابل را به دست نیابده باشند به اظهار نظر قانع اقدام نکنند. البته ممکن است که در مواردی زن و مرد بدون در نظر گرفتن نظر و رأی همسرش یک جانبه به گرفتن تصمیماتی اقدام کند به اعتقاد ما چنین رفتارهایی از طرف مرد وزن بزرگترین بی احترامی به حرمت و تخفیف طرف مقابل است.

۵- نکته پنجم اینکه زن و مرد موظف هستند یکدیگر را تأیید و تثبیت کنند و این کار علاوه بر اینکه عملاً انجام می گیرد باید در گفتار و رفتار هم انعکاس یابد. به عبارت ساده تر زن و مرد رسماً باید اعتراف کنند که منهای طرف مقابل قادر به زندگی کردن نیستند. این تأیید و پذیرش موجب افزایش صفا و صمیمیت خواهد بود از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: وقتی مردی به همسرش می گوید تو را دوست دارم این جمله هرگز از قلب همسرش زائل نمی شود. باید توجه داشته باشیم که همه انسانها اعم از مرد و زن در تمام دوران زندگی از شک و تردید برکنار



نداشته باشد، طبیعتاً زندگی از آرامش واقعی برخوردار نخواهد بود و دیری نخواهد پایید که بنیان آن سست شده، ویران می گردد. در سال های اولیه ی زندگی، علاقه و محبت نقش مهمی در پایداری اساس خانواده دارد و در حقیقت انگیزه ی ارتباط و بستگی بین زوجین است.

وقتی مردی برای همسرش کارهای جزئی اما متعدد انجام می دهد، زن درمی یابد که شوهرش او را دوست دارد و این سبب می شود که زن قابل اعتمادتر و دوست داشتنی تر به نظر برسد. انجام کارهای جزئی برای زن، برای خود مرد نیز التیام بخش است. در واقع این اقدامات جزیی، رنجش های او و رنجش های همسرش را التیام می بخشد، و مرد به تدریج خود را موجودی قدرتمند و مؤثر می بیند. ولی در سال های پایان زندگی که یکی از دو همسر، ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر کار و خدمتی نباشد، «رحمت، شفقت و دلسوزی» جای «مؤدت و مهربانی» را می گیرد.

مؤدت و مهربانی یکی از اصول اساسی زندگی مشترک است که خداوند آن را در میان زن و شوهر جوانی که دل به فردا

نیستند و این تردید و شک در رفتار و کردارشان نیز منعکس می شود لذا وقتی مورد تأیید دیگران قرار می گیرند جان و توان تازه ای بر آنان دمیده می شود.

عشق و زندگی

زندگی زن و شوهرهای جوان در آغاز، غالباً توأم با صفا و آرامش بوده، مهربانی و مؤدت بر تمامی روابط آنها سایه افکنده است. همین مؤدت و مهربانی میان آنان است که مایه ی آرامش روان می شود و دنیایی آکنده از عشق و محبت به ارمغان می آورد. زیرا پسر و دختری که براساس فطرت الهی نیازمند یکدیگر هستند، اکنون به خاطر طبیعت خویش به سوی هم جذب شده اند و هر کدام معنایی دیگر برای زندگی یافته اند و در کنار هم آرامش می یابند. این آرامش، از اینجا ناشی می شود که این دو جنس، مکمل یکدیگر و مایه ی شکوفایی و نشاط و پرورش هم هستند؛ به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه ی نیرومندی وجود داشته باشد. این آرامش خاطر جز به وسیله ی عشق و محبت به دست نمی آید. ازدواجی که در آن مهر، محبت و علاقه وجود



تبادل اشتیاق را نمی دانند، یا شرم افراطی، مانع از آن می شود که محبت بی ریای خود را اعلام دارند.

اعلام محبت به سادگی امکان پذیر است و انجام آن هم راه های گوناگونی دارد. از طریق مراقبت ها و رسیدگی به هم در غذا، بهداشت و نظافت، آرایش، معاشرت و برخورد، تمجید و تحسین از کارهای یکدیگر، تقویت روحیه ی هم، حمایت از یکدیگر به هنگام نیاز و راه های مختلف دیگری که زن و شوهر باید به تناسب موقعیت های گوناگون، آنها را بیابند و عشق و محبت خود را به یکدیگر ابراز کنند.

تبادل عاطفه، عشق و محبت بین زن و شوهر، ابتدا باید از قلب آغاز گردد. زوجین باید محبت را در قلب خویش پرورش دهند و عشقی خالصانه نسبت به یکدیگر در دل خود پدید آورند. محبتی که صادقانه، بی ریا و دور از هرگونه شائبه باشد. عشقی که در آن ظاهر سازی و تصنع نباشد و بدون منت، از صمیم قلب، به جا و به موقع باشد. این امر آنچنان مهم است که اسلام، در همان ساعات اولیه ی زندگی به مرد سفارش می کند که از خداوند این مهر و محبت را آرزو کند.

آنگاه پس از پرورش این عشق در درون خویش، با سخنان پاکیزه و مهربانگی و کلمات زیبا و دل انگیز، به اظهار این محبت بی ریا بپردازند. چرا که «سخنی که از دل بر آید لاجرم بر دل نشیند».

اظهار عشق و محبت زن نسبت به شوهر را با گفتار پاکیزه و دل انگیز از جمله ویژگی های زنان خوب می شمارند. یکی دیگر از شیوه های تبادل عاطفه، نشان دادن علاقه و محبت به وسیله ی رفتار است؛ و در این راه، انجام هر کار کوچکی که نشان دهنده ی عشق و محبت باشد، برای زن و شوهر خوشایند و قابل قبول است. همین کارهای کوچک و جزئی از عوامل همنوایی، سازگاری و تفاهم اخلاقی بین آنهاست. دستور اکید اسلام است که: «با زنان مهربانی کنید و دل هایشان را به دست آورید، تا با شما همراهی کنند.» در روایات متعدد دین مقدس اسلام خوشرفتاری، نیکی و مهربانی زن را نسبت به شوهر، از وظایف او می شمارد و همراهی و سازگاری با شوهر را در همه حال لازم می داند.

بسته اند، قرار داده است. غرض از این مؤدت، دوستی خالص و صمیمانه و به عبارتی دیگر همان علاقه آتشی است که باید بین زوجین وجود داشته باشد. آن گونه دوستی و علاقه ای که در اعماق جان آنها ریشه بدواند و موجبات آرامش و سکونشان را فراهم آورد. این علاقه و محبت که اوج آن در ماه های اولیه ی زندگی است، اگر خالصانه و بی ریا باشد و بنا به دستور اسلام پیوسته اظهار گردد، به طور فزاینده ای رشد می یابد و عشقی ماندگار خواهد شد.

داد و ستد عاطفی میان زن و شوهر در ابتدای زندگی تأثیر غیر قابل انکاری در پرورش فرزندان دارد؛ چرا که پدر و مادر فقط در فضایی آکنده از عشق و محبت می توانند به تربیت نسلی سازنده و بالنده بپردازد، و نقصان محبت در هر کدام از آنها، بی شک خلل بزرگی در امر پرورش صحیح کودکان ایجاد می کند. در این میان، عواطف مادر نقش بیشتری در تربیت دارد و برخورداری او از عواطف شوهر، تأثیر فراوانی در احساسات مادری او دارد، در نتیجه «وجود زن باید از وجود مرد، عواطف و احساسات بگیرد؛ تا بتواند فرزندان را از سرچشمه ی فیاض عواطف خود سیراب سازد.» بنابراین عواطف و احساسات زن و عشق او به زندگی زناشویی، بستگی مستقیم به میزان محبتی دارد که از جانب شوهر دریافت می کند.

همچنان تبادل عاطفی بین زن و شوهر را می توان یکی از ویژگی های خانواده ی متعادل اسلامی و عامل مؤثر همنوایی و سازگاری زوجین دانست. چنان که گفته شد، در ابتدای زندگی این تبادل عاطفی حضور وافر و چشمگیر دارد؛ ولی پس از مدتی به لحاظ عدم آگاهی یا غفلت یکی از زوجین یا هر دو، نبض زندگی کند می شود و عواطف سرشار فروکش می کنند. آنچه در این مرحله از زندگی زناشویی مهم است، نگهداری و افزایش این محبت بی شائبه نسبت به یکدیگر است. محبتی که اگر فرو پاشد، بنیان زندگی فرو خواهد ریخت و جهنمی سوزان پدید می آورد و منشاء ناراحتی ها، اضطراب ها و فشارهای روانی خواهد شد.

از این رو، آگاهی از شیوه های صحیح تبادل عاطفی، می تواند از سرد شدن کانون خانواده جلوگیری کند. چه بسیاری از زنان و شوهرانی که یکدیگر را دوست دارند، ولی یا راه ابراز و



امید دهد؛ اضطراب و نگرانی اش را از میان ببرد و به او آرامش و صفا بخشد. زن با یک تبسم یا تشکر می تواند به شوهرش اطلاع دهد که از کار او خشنود شده است. زیرا برای این که بتواند همسرش را از لحاظ عاطفی تأمین کند، به قدر شناسی و تشویق او نیاز دارد. مرد باید احساس کند که می تواند تفاوتی را در همسرش ایجاد کند و اگر بفهمد کسی متوجه خدمات او نیست، از ارائه ی خدمات بیشتر خودداری می کند. بنابراین زن باید شوهرش را آگاه سازد که قدر خدمات او را می داند و از آن تشکر می کند.

با این روش، حتی اگر مردی همسرش را دوست نداشته باشد، هنوز این زن است که می تواند، برای بهبود روابط خود با شوهرش کاری انجام دهد، بدین صورت که اگر زن خدمت کوچک و جزئی ارائه شده از سوی شوهرش را مورد قدرشناسی قرار دهد، مرد بار دیگر احساس می کند که همسرش را دوست دارد.

محبت در زندگی

یکی از ویژگیهای مهم انسان، برخورداری از عطوفت و احساس ترحم نسبت به هموطنان خود است. دگردوستی و محبت، در سایر حیوانات، در شعاعی بسیار محدود و تنها بین مادر و فرزند و در برخی موارد نیز پدر، جریان دارد آن هم در مدت کوتاه اول زندگی و براساس غریزه. اگر در برخی از حیوانات، همچون مورچگان و موریانه ها و زنبور عسل، نمونه هایی از تعاون و همکاری، یافت شود، باز براساس غریزه و ساختار وجودی آنهاست، نه برگرفته از خواسته های درونی و احساسات پاک نوع دوستی و دلسوزی و عواطف.

طبیعت اولی حیوان و انسان

طبیعت اولی برخی از حیوانات، تنها به خوردن، آشامیدن و لذت جنسی محدود می شود. این طبیعت، همان خصیصه ((بهیمیت)) آنهاست. بسیاری دیگر از حیوانات، علاوه بر این، دارای خوی درندگی نیز هستند که از آن به عنوان ((سبعیت)) یاد می شود و حتی در برخی از آنها بر بهیمیت نیز غلبه دارد، چنان که در باره پلنگ و گرگ، مشهور است که اگر به گله گوسفندی حمله کند، تا آنجا که بتواند، گوسفندان را از پای درمیآورد، در صورتی که فقط یک گوسفند برای سیرشدن او کافی است.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: «یکی از وظایف زن این است که چراغ خانه را روشن کند، غذا آماده نماید، وقتی شوهر وارد می شود تا نزدیک در به استقبال شوهر بیاید و به او خوش آمد بگوید.»

چنان که اشاره شد، اظهار عشق و علاقه زن و شوهر به هم، به هر وسیله ی ممکن و هر چند کوچک و جزئی باشد، موجب رضامندی طرفین است و این امر در مورد زنان بیشتر صدق می کند.

مردها اغلب گمان می کنند که اگر کار کوچکی برای همسرشان انجام دهند، مثلاً برای او شاخه گلی بخرند، یا از دست پخت او تعریف کنند امتیاز قابل توجهی در روابط زناشویی خود به دست نمی آورند. با این ذهنیت مرد گمان می کند که با پرداختن به کارهای بزرگ و مهم برای همسرش، وظیفه ی خود را به بهترین شکل انجام داده است؛ اما این قاعده مؤثر واقع نمی شود، زیرا زن ها در این مورد، ذهنیت کاملاً متفاوتی دارند.

به راستی وقتی مردی برای همسرش کارهای جزئی اما متعدد انجام می دهد، زن درمی یابد که شوهرش او را دوست دارد و این سبب می شود که زن قابل اعتمادتر و دوست داشتنی تر به نظر برسد. انجام کارهای جزئی برای زن، برای خود مرد نیز التیام بخش است. در واقع این اقدامات جزئی، رنجش های او و رنجش های همسرش را التیام می بخشد، و مرد به تدریج خود را موجودی قدرتمند و مؤثر می بیند. زیرا عشق، علاقه و توجهی را که به آن احتیاج دارد، دریافت می کند؛ در این شرایط، زن و شوهر هر دو به خواسته های خود می رسند. همان طور که مردها باید پیوسته برای ایجاد علاقه و محبت همسرشان، کارهای جزئی کنند، زن هم باید متقابلاً از این اقدامات جزئی شوهر، تشکر و سپاسگزاری کند.

از نگاهی دیگر شاید بتوان گفت، نقش زن در استحکام خانواده از طریق محبت و عشق، چه بسا بیشتر از مرد است. زیرا طبیعت او این چنین است و نشان دادن محبت به شوهر ضمن این که اعتماد او را به خود جلب می کند، نفس گریز پای او را نیز در مهار و کنترل خود در می آورد، زن از طریق اعمال محبت می تواند در جان شوهر نفوذ کند؛ در قلب او تأثیر گذارد؛ به او شادی و



خودخواهی، منزوی شده است، نه تنها از جسم و تن مردم بهره مند نیست، بلکه از محبتها و احساسات دوستانه آنان نیز محروم است، و نه تنها دلهای مردم را با خود به همراه ندارد که کینه های آنها را بر اثر رفتارهای ناهنجار خود بر ضرر خویش، تحریک کرده است. به عبارت دیگر، چنین شخصی هم از نظر جسمی تنهاست و هم از نظر معنوی، از این رو، دچار بدترین نوع وحشتهاست.

محبت به دیگران رمز موفقیت

انسان با محبت و عشق به دیگران بالندگی می یابد، از خود می برد و به اجتماع می پیوندد؛ در این صورت، خداوند نیز دلها و محبتهای مردم را به سوی او جلب می کند و وی را از محبت آنان برخوردار می سازد. خدمت صادقانه و به دور از ملاحظات شخصی و خودخواهانه، اعتماد سایرین را جلب کرده و آنها را به سوی انسان جذب می کند. رمز موفقیت انسانهای بزرگ در اصلاحات اجتماعی و ایجاد تحولات در عرصه های مختلف آن، برخورداری آنها از عواطف مثبت و احساسات قوی و ظریف بوده است.

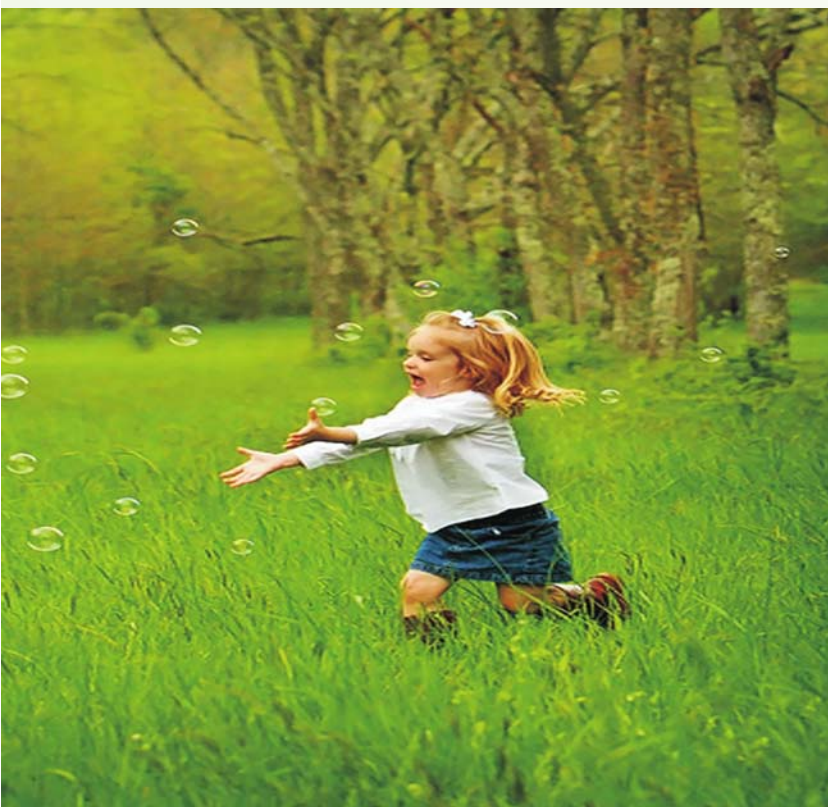
برخلاف حیوانات، طبیعت و فطرت اولی انسان، بر ((الفت و عواطف)) استوار است، تا آنجا که برخی معتقدند، واژه انسان از ((انس)) گرفته شده است، یعنی انسان موجودی است که براساس طبیعت اولی خود، با دیگران می جوشد و با آنان مانوس می گردد و بدین وسیله پایه های زندگی خود را برپا نگه می دارد. بنابراین، اگر شخصی بر اثر اخلاق تند، بدخویی، قساوت قلب و کوری دل، از محبت کردن به دیگران و جذب مردم و هموعان خویش عاجز باشد، از طبیعت انسانی خود خارج شده است.

محبت به دیگران و حب ذات

((بهیمیت)) و ((سبعیت))، از لوازم حب ذات و خودخواهی محسوب می شود و صفت کمال، برای حیوان است و رشد آن نیز برای او هیچ نقصی به دنبال ندارد، درحالی که وجود حب ذات در انسان، گرچه در اصل و در حد اعتدال لازم است - تا او را به مراقبت و محافظت جان خود از خطرها وادارد - ولی چنانچه از مرز خود تجاوز کند، خود بزرگترین نقص محسوب شده و منشاء صدها آفت، برای نوع انسانی خواهد بود. برعکس، آنچه مایه رشد و تعالی اوست، حس دگردوستی و شدت عطاوت نسبت به دیگران است.

روشن است که شرط اول دوستی و محبت و ایجاد سازگاری با محیط، پرهیز جدی از خودخواهی و حب نفس است. مردم، شخص از خود راضی را نمی توانند تحمل کنند و از او متفر و گریزانند. از این رو، ما نباید همه چیز را برای خود بخواهیم و به خاطر سود خود، حقوق دیگران را زیرپا بگذاریم و در عین حال، توقع داشته باشیم که آنان به سوی ما جذب شوند و نسبت به ما علاقه مند و وفادار باشند. انسان ازخودراضی، بتدریج دوستان خود را از کف می دهد و خود به خود منزوی می شود.

هنگام بروز نامالایمات و پیشامدهای ناگوار که انسان دچار وحشت و اضطراب می شود، دوستان و آشنایان و اطرافیان دلسوز و علاقه مند او به کمکش می شتابند و به وی تسلی و آرامش خاطر می دهند و چنانچه بر اثر عوامل بیرونی، مانند ظلم، ظالم، پیری، مریضی و غیره به تنهایی و انزوا مبتلا شده و از حضور در صحنه های مختلف اجتماع محروم گردد، محبت و دوستی و همدردی آنان، روح او را نوازش می دهد، ولی آن کس که بر اثر گرفتاریهای درونی و بیماریهای روحی همچون عجب و





شهر غلغله

میلادی بر می‌گردد، پیش از این به نام‌های «شهر بامیان» و «بالا حصار بامیان» نیز یاد می‌شد که از دوره ظهور اسلام تا اوایل قرن هفتم هجری پایتخت برخی حاکمان اسلامی چون «آل شنسب» و شاهان «غوری» بوده است.

«زمریالی طرزی» باستان شناس افغانی تبار فرانسوی در رابطه با شهر تاریخی غلغله گفته است: این شهر در بالای یک تپه مرتفع قرار دارد به دلیل این که در یک تپه مرتفع واقع شده است در گذشته به قلعه دفاعی بامیان معروف بوده است که وسعت آن به اندازه نصف «ام‌البلاد» یعنی نصف شهر «بلخ» کنونی بوده

غلغله شهری تاریخی در ولایت «بامیان» که بر اساس روایات تاریخی نواسه چنگیزخان مغول در این شهر کشته شد. شهر «غلغله» از جمله هشت اثر تاریخی ولایت بامیان افغانستان است که جزء میراث فرهنگی جهان نیز به شمار می‌رود. این شهر که در حال حاضر به ویرانه‌ای تبدیل شده است، چهار تا پنج هکتار وسعت دارد و بر بالای تپه‌ای سنگی و مخروطی شکل که حدود ۱۰۰ تا ۱۴۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد در مقابل مجسمه‌های تخریب شده بودا قرار گرفته است.

شهر غلغله، بالا حصار ولایت بامیان

شهر تاریخی غلغله که قدمت آن به قرن ۱۰ و ۱۱



سالان ولایت بامیان با بیان این که شهر غلغله در گذشته به نام شهر «زر» یاد می‌شد و این شهر توسط «دالشاه» یکی از شاهان قدیم این سرزمین که ۱۰۰ پسر داشت، ساخته شده است.

یزدانی معتقد است: زمانی که مغول‌ها بر این منطقه یورش بردند، جنگ خونینی میان آنان و حاکم خوارزمشاهی به وقوع پیوست و از هر گوشه و کناری فریاد گریه، زاری و هلهله (غلغله) بلند شد. این تاریخ شناس ادامه داد: شاید به همین دلیل است که پس از ویرانه‌هایی که مغولان به بار آوردند این منطقه به نام "غلغله" که به معنی غوغا و فریاد است، معروف شد.

سیستم آبرسانی شهر غلغله چگونه بوده است؟

درباره زیرساخت‌ها، برج‌های دفاعی و سیستم آبرسانی این شهر تاریخی هم داستان‌های زیادی وجود دارد. طرزی از باستان‌شناسان کشور در رابطه با سیستم آبرسانی این شهر گفته است: ساکنان شهر غلغله آب مورد نیاز خود را از طریق یک کانال زیر زمینی تأمین می‌کردند. وی افزود: ما نمونه‌هایی از سیستم به کار رفته برای تأمین آب مورد نیاز مردم در شهر غلغله را در آثاری چون «چهل برج» در منطقه «یکاولنگ»، «قلعه گوهرگین» و شهر «ضحاک» بامیان نیز دیده‌ایم.

یزدانی با اشاره به تحقیقاتی که در رابطه با کانال آبرسانی مخفی شهر غلغله داشت، افزود و از ویژگی‌های شهر

است. در گذشته قسمت‌هایی از تپه «الماس» در سمت غرب شهر غلغله که اکنون به زمین کشاورزی تبدیل شده است نیز جز این شهر به شمار می‌رفت.

از برج‌ها، دیوارها، علائم و آثار باقی مانده این شهر این طور به نظر می‌رسد که جمعیت آن در اوج رونق و شکوه از چهار هزار نفر بیشتر نبوده و دلیل آن این است که محدوده شهر به همراه «تپه الماس» گنجایشی اضافه‌تر از آن نداشته است.

حمله چنگیز و با خاک یکسان کردن شهر غلغله

«کاظم یزدانی» از تاریخ نگاران کشور می‌نویسد: پیش از حمله سپاهیان مغول به رهبری چنگیز خان در سال ۶۱۸ هـ ق (۱۲۲۱) میلادی به بامیان این شهر که توسط خوارزمشاهیان اداره می‌شد با خاک یکسان شد. یزدانی با بیان این که در مقاومت و ایستادگی حاکم خوارزمشاهی در برابر سپاهیان مغول یکی از نواسه های چنگیز به نام «ماتکین» توسط یکی از محافظان حاکم خوارزمشاه کشته شد، گفت: بعد از این حادثه چنگیز دستور داد برای انتقام خون نواسه خود شهر غلغله را با خاک یکسان کنند.

دلیل نامگذاری این شهر به غلغله

در رابطه با این که چرا این شهر به غلغله معروف شد، داستان‌های زیادی وجود دارد. «سجاد محسنی» یکی از کهن





است، اما شکوه و عظمت آن را می‌توان از بقایای دیوارهای سوخته، برج‌های دیدبانی فرو ریخته، مصالح به کار رفته در ساخت شهر که در آن زمان استفاده شده و راه‌های پیچ در پیچ هنوز هم توجه هر بیننده‌ای را به سوی خود جلب می‌کند. نوع خاص معماری و دیوارهای عریض شهر هنوز هم جذابیت‌های ویژه‌ای برای گردشگران دارد.

جاذبه‌های گردشگری

گفته می‌شود روزانه تعداد زیادی از گردشگران داخلی و خارجی برای دیدن این شهر به بامیان سفر می‌کنند. بقایای به جا مانده از شهر غلغله از منابع اصلی درآمد مردم این ولایت است که گردشگران با پرداخت مبلغی اجازه دارند از این شهر بازدید کنند.

جذابیت شهر غلغله در این است که گردشگران را با تمدن گذشته و ساکنان قدیم بامیان آشنا می‌کند. شکوه و عظمت این شهر تاریخی بیانگر دو تمدن بزرگ یعنی دوران بودا و تمدن اسلامی است. شهر غلغله که روزی مرکز داد و ستد جهان به حساب می‌آمد و تاجگذاری شاهان و سلاطین زیادی را در حافظه تاریخی خود دارد، چیزی جز دیوارهای فرو ریخته، مغاره‌های تخریب شده و خاک از آن اہبت تاریخی برایش باقی نمانده است.

منبع: با آثار تاریخی و باستانی آشنا شوید.

غلغله قبل از ویرانی دسترسی ساکنان آن به آب بود که توسط یک لوله مخفی از زیر تپه‌ای که در بالای شهر قرار داشت به شهر می‌رسید. یکی دیگر از ساکنین شهر غلغله گفته است: کانال مخفی آبرسانی شهر غلغله از دریای حیدرآباد و در فاصله چهار کیلومتری تا شهر حفر شده بود که علائم ظاهری آن تا هنوز هم در نزدیکی‌های مکتب دخترانه «سعید آباد» دیده می‌شود. وی در ادامه تصریح کرد: زمانی که این شهر در محاصره سپاهیان مغول قرار داشت، دختر «سلطان جلال‌الدین»، عاشق یکی از سرداران مغول شد و راز این کانال آبرسانی را با او در میان گذاشت که این افشاکری باعث شد، آب بر ساکنان شهر غلغله بسته شود و با سقوط شهر ساکنان آن نیز قتل عام شوند.

بقایای به جا مانده از شهر قدیم غلغله

تنها قسمت‌هایی که طی گذشت قرن‌ها هنوز هم در شهر غلغله پا بر جا مانده است، بعضی قسمت‌های ساختمان مسجد جامع شهر که در قسمت جنوبی تپه قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود که این مکان گنجایش حدود ۲۰۰ نمازگزار را داشته است، همچنین بخشی از برج دیدبانی شهر و مغاره‌های زیر زمینی است که تاکنون پا بر جا مانده است.

با وجود این که شهر غلغله به‌طور کلی ویران شده



افتخار آفرینان ورزش کشور





آشنایی با خواص دارویی شلیل

پوست انسان را با طراوت نگاه می دارد و موجب جوانی پوست می شود.

فواید شلیل برای دیابت و چربی خون:

شلیل بسیار کم کالوری و کاهش دهنده ی چربی خون است و از آن جا که فیبر بسیار بالایی دارد موجب کاهش سرعت جذب برخی مواد مغذی به ویژه قندها می شود و در عین حال میزان حساسیت به انسولین را نیز افزایش می دهد در نتیجه میوه خوبی برای افراد دیابتی است و مصرف آن می تواند در کنترل قند خون مؤثر باشد.

شلیل میوه بومی کشور های آسیایی است. بیش از ۱۵۰ گونه شلیل در دنیا وجود دارد. این میوه از خانواده شفتالو است اما طعمی شیرین تر از شفتالو دارد. خواص و مضرات این میوه خوشمزه به شرح زیر است.

فواید شلیل برای پوست:

در فصل تابستان که ما بیشتر در تماس با شعاع خورشید هستیم، خوردن مرتب این میوه مفید و حتی استفاده از ماسک آن اثرات بسیار خوبی بر روی پوست ما دارد و از پیری ناشی از آفتاب جلوگیری می کند و برای سلامت پوست و لایه های محافظتی بدن مفید است. ویتامین موجود در این میوه،



فواید شلیل در کاهش وزن:

هر دانه شلیل متوسط تقریباً ۵۰ کالوری انرژی دارد و چون فیبر بالا داشته و چربی ندارد میوه بسیار خوبی برای کاهش وزن و رژیم‌های لاغری است. البته کسانی که می‌خواهند وزن اضافه کنند بهتر است کمتر شلیل بخورند و میوه‌هایی را میل کنند که کالوری بیشتری دارند.

مصرف شلیل در بارداری:

شلیل یکی از میوه‌هایی است که به استفاده آن در زمان بارداری تاکید شده است.

نگهداری شلیل:

شلیل باید حداکثر یک هفته در یخچال نگه داری شود. برای افزایش مدت زمان نگه داری شلیل می‌توانید آن را فریز کنید و یا به صورت کمپوت در آورید.

خواص برگ شلیل

- برگ‌های شلیل قابض و تسکین دهنده هستند.
- در کاهش تب تاثیر به سزایی دارند.

- مصرف برگ شلیل به افرادی که مبتلا به التهاب معده، سیاه سرفه و برونشیت هستند توصیه می‌شود.
- تهوع صبحگاهی را در خانم‌های باردار کاهش داده و درمان می‌کند. باید مراقب باشید از برگ شلیل به مقدار لازم مصرف کنید چرا که مصرف بیش از اندازه آن به خاطر ایجاد ادرار زیاد می‌تواند موجب خشکی و کم آبی بدن شود.
- پودر برگ‌های خشک شده شلیل مرهم مناسبی برای زخم‌ها خواهد بود.

فواید تغذیه ای شلیل

- شلیل میوه ایست با طبع سرد که از لحاظ خواص و مواد شباهت بسیاری با شفتالو دارد.
- سرفه را تسکین می‌دهد. صبح و عصر میل شود.
- برای رماتیسم مفید است.
- مغز آن باعث کاهش فشار خون می‌شود.
- برای ورم پروستات از کمپوت آن استفاده کنید.





- شلیل منبع خوبی از بیوفلاونوئیدها و کاروتنوئیدها می باشد. در واقع شلیل غنی از لوتئین و لیکوپن است. لوتئین مسئول رنگ قرمز، نارنجی و زرد در میوه ها و سبزیجات است. که برای پیشگیری از بیماری های قلبی، بیماری های چشمی مانند دژنراسیون ماکولار و سرطان مفید است.
- شلیل هم چنین منبع خوبی از فیبر و پتاشیم است که هر دوی این ها برای سلامتی مفید و سودمند هستند؛ فیبرهایی که در شلیل یافت می شود نقش مهمی را در پاک سازی کولون و سلامتی کولون ایفا می کنند. پتاشیم نیز موجب افزایش شادابی و تحرک در فرد می شود، فشار خون بالا را کنترل می کند و خطر ابتلا به سکته مغزی را کاهش می دهد.
- از تأثیرات دیگر ویتامی C، می توان به افزایش جذب آهن موجود در غذا اشاره کرد.

یادداشت:

هسته ی شلیل را نباید خورد؛ زیرا دارای ماده ای به نام آمیگدالین است که در بدن تبدیل به سیانید می شود. سیانید یک سم قوی است که هنگامی که خورده می شود یا وارد بدن می شود می تواند موجب بیماری های شدید و خطرناکی و یا حتی مرگ شود. پس هسته ی شلیل را نباید خورد.

منبع: هفت گنج

- کسانی که سوزاک هستند نیم ساعت بعد از غذا شلیل را میل نمایند.
- شلیل میوه ای کم کالوری و به طور طبیعی فاقد چربی است.
- منبع غنی ویتامین A، بتاکاروتین و پتاشیم است.
- این میوه در پیش گیری از بروز بیماری های مزمن نظیر سرطان، دیابت و بیماری های قلبی عروقی موثر است.
- ویتامین C موجود در شلیل برای سلامتی پوست، دندان و استخوان مفید است.
- بتاکاروتین موجود در شلیل که خاصیت آنتی اکسیدان بالایی دارد با ارتقای سطح سیستم دفاعی بدن از بروز بسیاری از بیماری ها جلوگیری می کند.
- فیبر موجود در آن باعث کاهش چربی های مضر خون می شود.
- شلیل منبع غنی ویتامین های A و C و نیز منبع خوبی از پتاشیم است و می تواند آب مورد نیاز بدن را تأمین کند. از این رو بهترین میوه برای افراد گرمزده است.
- ویتامین C موجود در شلیل اثرات مفید در سلامت پوست، دندان و استخوان دارد. این میوه دارای نیاسین یا ویتامین B3 نیز هست.
- پتاشیم آن نیز موجب افزایش شادابی و تحرک در فرد می شود، فشار خون بالا را کنترل می کند و خطر ابتلا به سکته مغزی را کاهش می دهد.
- خوردن شلیل می تواند خطر ابتلا به بیماری های حاد مانند بیماری های قلبی، بیماری های چشم مانند دژنراسیون ماکولا و حتی سرطان را به طور چشمگیری کاهش دهد.
- شلیل یک منبع غنی از آنتی اکسیدان هایی است که با رادیکال های آزاد در سلول ها می جنگد. آنتی اکسیدان های موجود در شلیل در بدن به ویتامین A تبدیل می شوند.



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK



بانکداری از طریق پیام کتبی
SMS Banking

طریقه استفاده:

- ◀ برای نشان دادن بیلانس حساب تان این پیام کتبی را (Bal) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید
- ◀ برای آگاهی از سه معامله آخرتان در غزنفر بانک این پیام کتبی را (TRAN) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید.



رابطه اخلاق و عرفان اسلامی

۱- نحلہ اصحاب ارادہ ۲- نحلہ اصحاب جمال ۳- نحلہ اصحاب نور

با آنکه در برخی از کشور های اسلامی، شریعت را در سطح قانون به طور کامل اجرا نمی کنند اما اخلاقیات موجود در تعلیم شرعی همچنان در تمام جوامع اسلامی نافذ است. دانش اخلاق در میان مسلمین با رویکردهای گوناگونی روبرو بوده است و منجر به پیدایش دستگاه های متفاوتی شده است که به آنها اشاره می شود:

۱- اخلاق فلسفی: که خود شامل اخلاق جالینوسی، افلاطونی، فیثاغورسی - هرمتی و ارسطویی می باشد. رویکرد ارسطویی که شاخص اصلی آن قانون اعتدال است. در این رویکرد میان نظرات شرع اسلام و فلاسفه یونان توافق ایجاد شده است.

عرفان و اخلاق دو مقوله اساسی در علوم اسلامی هستند که پیشینه هر یک از آنها به تاریخ قبل از اسلام باز می گردد. عرفان در همه ادیان و مذاهب و حتی مکاتب فلسفی کم و بیش وجود داشته و دارد و تا کنون کسی نتوانسته است درباره اینکه منشأ آن کجاست اظهار نظر قطعی و دقیق کند. تردیدی نیست که در هر یک از مذاهب و ادیان، نشانه هایی از زهد و پرهیزکاری و بی اعتنایی به امور مادی و انصراف و بی توجهی به دنیا وجود دارد و شاید بتوان گفت که یکی از خصوصیات عمومی ادیان و مذاهب توجه به امور معنوی و تحقیر دنیا و مظاهر مادی است.

عرفان اسلامی از سه منظر مکمل یکدیگر به حقیقت غایی نگریسته است:



آن فکر باشد، سپس به طور متوالی استمرار می یابد تا ملکه و خلق گردد. عرفان از ریشه عَرَفَ به معنای شناختن، دانستن، اعتراف کردن، مشهور و نیکی است. عرفان روش و طریقه ای است که می توان آن را شایع ترین مکتب و مرام میان اقوام و ملل مختلف دانست، طریقه ای که در کشف حقایق جهان و پیوند انسان و حقیقت نه بر عقل و استدلال بلکه بر ذوق و اشراق و وصول و اتحاد با حقیقت تکیه دارد و برای نیل به این مراحل دستورات و اعمال ویژه ای را به کار می گیرد.

ابوسعید در تعریف عرفان می گوید: «آنچه در سر داری بنهی و آنچه در کف داری بدهی و آنچه بر تو آید نجهی». ابن عطا گوید: «ابتدایش معرفت است و انتهایش توحید». جنید گوید: «تصوف صافی کردن دل است از مراجعت خلقت و مفارقت از اخلاق طبیعت و فرو میراندن صفات بشریت و دور بودن از دواعی نفسانی و فرو آمدن در صفات روحانی و بلند شدن به علوم حقیقی و به کار داشتن آنچه اولی است الی الابد و خیرخواهی به همه امت و وفا به جای آوردن بر حقیقت و متابعت کردن پیغمبر در شریعت».

۲- اخلاق عرفانی: هدف این مکتب تربیت انسان کامل است که عصاره خلقت و جامع جمیع نشات وجود و غایت آفرینش ماسوا است.

۳- اخلاق نقلی: بر مجموعه ای از تصنیفات و تألیفات که عهده دار جمع آوری روایات دینی است اطلاق می شود.

۴- اخلاق ترکیبی: که از ظرفیت های هر سه مکتب فلسفی، عرفانی و نقلی بهره می گیرد. البته اگر به مبانی معرفت شناختی و انسان شناختی رویکرد فلسفی و عرفانی توجه شود از چنین تلفیقی باید صرفنظر کرد، زیرا معرفت شناسی فلسفی، عقل محور است و انسان همه اندیشه است؛ اما در اخلاق عرفانی معرفت باید شهودی و قلبی باشد. به همین ترتیب مبانی انسان شناسی عارف و فیلسوف نیز تفاوت دارد. عارف بخش گوهرین وجود انسان را دل می شمارد برخلاف فیلسوف که گوهر وجود انسان را عقل می داند. اما ترکیب مورد نظر ما ترکیب عامی است که در پاره ای موارد آن، عناصر فلسفی بیشتر است و در موارد دیگر عناصر عرفانی غلظت بیشتری دارند.

معنای اخلاق و عرفان

اخلاق جمع خلق و خلق می باشد. راغب می گوید: خلق با خلق در اصل یکی است همچون شرب و شرب و صرم و صرم. لیکن خلق به کیفیات و شکل ها و صورت هایی که به واسطه چشم دیده می شوند و درک می گردند اختصاص یافته است و خلق ویژه نیرو و سرشت هایی است که با بصیرت فهمیده می شوند. خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «تو بر صفات بزرگی هستی».

ابوعلی مسکویه در کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق می نویسد: «خلق حالی است برای جان انسانی که او را بدون تفکر و تأمل به سوی کارهایی بر می انگیزد». حال به دو نوع تقسیم می شود اول حالی که طبیعی است و از اصل مزاج ناشی شده است مانند انسانی که کوچکترین چیزی او را به طرف غضب تحریک می کند و با کمترین سببی به هیجان می آید دوم حالی که به واسطه عادت و تمرین به دست می آید و چه بسا مبدأ



موضوع اخلاق و عرفان

چه وارداتی بر او وارد می شود البته همه این منازل و مراحل باید به مراقبت یک انسان کامل و پخته که قبلاً این مراحل را طی کرده و از راه و رسم منزل ها آگاه است صورت گیرد و اگر همت انسان کاملی بدرقه راه نباشد خطر گمراهی وجود دارد.

اما موضوع عرفان نظری را قیصری در شرح قصیده ابن فارض اینگونه بیان می کند: « در حقیقت از نظر عرفاء، وجود حقیقی همان ذات احدی و صفات اوست؛ زیرا دار هستی غیر از او دیاری ندارد. یعنی بحث از ذات حضرت حق بحثی از تمام عالم هستی است. پس علم عرفان عالی ترین علوم است زیرا موضوع آن اعم از موضوعات علوم دیگر است و عمومیت آن همانند عمومیت برخی از مفاهیم مبهم نیست بلکه دارای معنای محصل و روشن می باشد عمومیت آن با تمامیت و شمول و فراگیری همراه می باشد.

رابطه اخلاق و عرفان

عرفان و اخلاق گاه چنان به یکدیگر نزدیک و مرتبط می شوند که گمان می رود یک فرد اخلاقی تمام مراحل سیر و سلوک را طی کرده است. اما اخلاق و عرفان به رغم همه قرابت هایشان گاه چنان دچار افتراق می شوند که به نظر می رسد راهشان جداست. برخی از عرفا تفاوت عرفان عملی با اخلاق

یکی از مهم ترین رؤس ثمانیه بیان موضوع علم است. خواجه نصیر، موضوع علم اخلاق را در کتاب اخلاق ناصری چنین بیان می کند: «موضوع این علم، نفس انسانی است. خواجه در اینجا اخلاق را در دو سطح مطرح کرده است. یکی اخلاق علمی که به روش حکیمان با استدلال، مبانی اخلاق را تبیین می کنند و درباره نفس آدمی از آن جهت که دارای ملکات نفسانی است و از او افعال ارادی پسندیده یا ناپسند صادر می شود بحث می کند؛ شناخت نفس و قوای نفسانی و کمال نفس، مبادی علم اخلاق هستند. بخش دیگر، اخلاق عملی یا همان سیر و سلوک عرفانی است که چگونگی وصول به کمال و عوامل و موانع کمال را مطرح می کند.

عرفان به عنوان یک دستگاه علمی و فرهنگی دارای دو بخش است: بخش عملی و بخش نظری.

عرفان عملی عبارت است از آن قسمت که روابط و وظایف انسان را با خودش و جهان و خدا بیان می کند و توضیح می دهد. عرفان در این بخش مانند اخلاق است یعنی علم عملی است و سیر و سلوک نامیده می شود. در این بخش از عرفان توضیح داده می شود که سالک برای اینکه به قله منبع انسانیت یعنی توحید برسد از کجا باید آغاز کند و چه منازل و مراحل را باید طی کند و در منازل بین راه چه احوالی برای او رخ می دهد و





نزدیکتر به مقصد و مقصود هستند، زیرا که آنها قدم را جای پای پیامبران می گذارند و حکما می خواهند با فکر و عقل خود سیر کنند.»

در شرح منازل السائرین برای تسلیم سه درجه ذکر می شود: «درجه اول، آن است که سالک در برابر آنچه از غیب می رسد و با احکام تراحم دارد و بر اوهام گران می آید تسلیم باشد. درجه دوم آن است که سالک علم را به حال تسلیم کند یعنی سالک باید علم ظاهر را رها کند و علم باطن را اخذ نماید تا به مقام معرفت و شهود بار یابد. درجه سوم تسلیم آن است که ما سوی الله را به حق تسلیم کند به گونه ای که از مشاهده این

عملی را در تمایز عرفان نظری از اخلاق نظری ذکر می کند. هدف عرفان عملی تحقق ره آورد عرفان نظری و هدف اخلاق عملی تحقق رهنمودهای اخلاق نظری است. در اخلاق نظری بحث پیرامون تهذیب روح و تزکیه قوای ادراکی و تحریکی نفس و مانند آن است و عصاره مسائل آن درباره شئون نفس می باشد. اثبات اصل نفس و تجرد و قوای آن بر عهده فلسفه است؛ در نتیجه اخلاق عملی نیز کوششی برای پرورش روح مهذب و تربیت نفس زکیه است.

اخلاق عملی و عرفان عملی دارای مبادی مشترکی هستند. در کتاب شرح منازل السائرین درباره علم چنین می



تسلیم سالم باشد یعنی وقتی باب فنای فی الله بر وی گشوده شود مشاهده کند که همه رسوم و خلائق فانی و مضمحل درخند. چرا که هر گاه حق تعالی تجلی کند، نور او چیزی از ظلمت حجاب ها باقی نمی گذارد و هیچ نام و نشانی از غیر باقی نمی ماند.»

در بررسی رابطه اخلاق و عرفان در می یابیم که عقل و استدلال روح حاکم و کلی در اخلاق است. انسان اخلاقی همواره از ابزار عقل بهره می برد و راه های رسیدن به سعادت را در مییابد. اما در عرفان روحیه حاکم، عشق و محبت است. عارف

خوانیم: «علم، چیزی است که به دلیل قائم می شود و جهل را برطرف می سازد و دارای سه درجه است. ۱- علم روشن و آشکار که با حس ظاهر یا با حس باطن درک می شود. ۲- علم خفی که در سرهای پاک که از آن صالحان و ابرار است، با آب ریاضتی که خالص و پاک است پرورش می یابد. ۳- علم لدنی. عرفا بر این باور اند کسی که تسلیم حق و اولیای خدا شود و در مقابل آنها چون و چرا نکند و با قدم آنها سیر ملکوتی کند، زود به مقصد می رسد. از این جهت بعضی از عرفا گویند که مؤمنین از حکما



اخلاق انسانی کنند اما مدلی که عرفان ارائه می دهد خود حضرت حق است و انسان موظف است خلیفه بودن خود را به نحو درستی ادا کند. زیرا عرفان فنا در وجود معشوق است. سالک در اثر سیر و سلوک خود به مرتبه فنا می رسد و دیگر خودی ندارد، هر چه هست اوست. اما در انتهای تهذیب اخلاقی باز وجود انسان مطرح است و ما با انسانی مواجهیم که پس از تحمل مشقت ها خلق و خوی خود را نیکو و پسندیده کرده است.

مراحل روحی در اخلاق، محدود است اما در عرفان این مراحل بسی گسترده تر و وسیع تر می باشد، طوری که خود اخلاق از نظر عرفایی مانند خواجه عبدالله انصاری جزء یکی از ده مقالات و منازل به حساب می آید و خود به ده باب تقسیم می شود که شامل صبر، رضا، شکر، حیا، صدق، ایثار، خلق، تواضع، فتوت و انبساط می باشد و به جز این منزل خواجه به نه منزل دیگر قائل است که شامل بدایات، ابواب، معاملات، اصول، وادی ها، احوال، ولایات، حقایق و نهایات می باشد و هر کدام به ده باب تقسیم می شوند که عبور از آنها برای سالک ضروری می باشد.

از مسائل مهم در عرفان، وجود مراد یا پیر و مرشد می باشد که در اخلاق حداقل به این شدت وجود ندارد. به دلیل آنکه حالات درونی و راه های معنوی انسان ها با یکدیگر متفاوت است و صد در صد حکم کلی ممکن نیست لذا ولایت و اشراف مستقیم مراد نسبت به مرید در سیر باطنی ضرورت می یابد. عرفا تکروی را جایز نمی دانند چرا که در این راه خطرهای بی شمارند و غالباً سالک را از پای در می آورند و اگر هم کسی به ندرت بی ارتباط با شیخ و استاد به جایی برسد باز هم حتماً در اثر همت و امداد پیری غایب بوده است اما به هر حال بهره حاضران در محضر پیر و استاد بیشتر خواهد بود.

دانش اخلاق در میان مسلمین منجر به پیدایش دستگاه های متفاوتی شده است: ۱- اخلاق فلسفی که خود شامل اخلاق جالینوسی، افلاطونی، فیثاغورسی - هرمسی و ارسطویی می باشد؛ ۲- اخلاق عرفانی؛ ۳- اخلاق نقلی؛ ۴- اخلاق ترکیبی که از ظرفیت های هر سه مکتب فلسفی، عرفانی و نقلی بهره می گیرد.

منبع: اخلاق و عرفان

از آن جهت عارف شده است که دل را ابزار کار خود قرار می دهد؛ او از منطق و عقل تا مرحله ای استفاده می کند اما عشق همیشه عاشق را به مراحل کشانده و مجبور به اعمالی کرده است که نزد عامه به جنون تعبیر می شود. در احوالات فضیل گفته شده است: «نمونه زهد و ریاضت بود، از معاشرت با مردم تنفر داشت و با وجود آنکه ازدواج کرده بود زندگی خانوادگی را بزرگترین مانع رسیدن به خدا می دانست. در مدت سی سال تنها یک بار او را خندان یافتند و آن وقتی بود که پسرش از دنیا رفته بود.» شطحیات عرفا را می توان در این راستا بررسی کرد. شطح، حکم متناقض نمایی است که ظاهراً غریب و نامأنوس و نامعقول است. چنین سخنانی در اوج وجد و مستی بر زبان جاری می شود. قصد عرفا از بیان چنین جملاتی قطعاً ظاهر آنها نیست بلکه باید عمق و باطن آنها را جستجو کرد. برای نمونه جامی در بیان تفاوت «من» فرعون با «من» یک عارف عاشق چون حلاج می گوید: «فرعون در خودبینی در افتاد و همه را خود دید و ما را گم کرد و حسین منصور همه ما را دید و خود را گم کرد و لذاست که «من» حاکم مصر بیان پیمان شکنی و کفر او در مقابل خداوند و «من» گفتن حلاج نشانه ای از فیض خداوندی است.

از دیگر تفاوت های موجود بین عرفان و اخلاق موضوع اعتدال است. پایه و اساس اخلاق ارسطویی «قانون زرین اعتدال» است. در این قانون هر فضیلتی دو سو دارد یک جنبه افراط و جنبه دیگر تفریط است که هر دو رذیله به حساب می آیند و آنچه نقطه اعتدال و حد وسط باشد فضیلت می باشد. مانند جبن و تهور که هر دو رذیلت است و شجاعت به عنوان حد وسط فضیلت به حساب می آید.

اما در عرفان عموماً از حد اعتدال خارج می شوند. برای نمونه یکی از محورهای چهارگانه طریقت اکبریّه منسوب به شیخ اکبر ابن عربی، جوع است. سالک تا نتواند دل از حوائج مادی برهاند و تا گرسنگی نکشد نخواهد توانست در مسیر سیر و سلوک به جایی برسد. عطار نیشابوری در کتاب «تذکره الاولیاء» در ذکر شیخ ابوالحسن خرقانی می گوید: «شیخ گفت: اگر خواهی که به کرامت رسی، یک روز بخور و سه روز مخور.

همچنین در اخلاق با مدل انسانی روبرو هستیم. مکاتب مختلف اخلاقی از پیروانشان می خواهند که خود را متخلق به



نسیستان

••• (ویژه شعر و ادب)

لب دریا، نسیم و آب و آهنگ
شکسته ناله های موج بر سنگ
مگر دریا دلی داند که ما را
چه توفان ها ست در این سینه تنگ!
تب و تابی ست در موسیقی آب
کجا پنهان شده ست این روح بی تاب
فرازش، شوق هستی، شور پرواز،
فروزش : غم؛ سکوتش : مرگ و مرداب!
سپر دم سینه را بر سینه کوه
غریق بهت جنگل های انبوه
غروب بیشه زار انم در افکند
به جنگل های بی پایان اندوه!
لب دریا، گل خورشید پرپر!
به هر موجی، پری خونین شناور!
به کام خویش پیچاندند و بردند،
مرا گرداب های سرد باور!
بخوان، ای مرغ مست بیشه دور،
که ریزد از صدایت شادی و نور،
قفس تنگ است و دل تنگ است، ورنه
هزاران نغمه دارم چون تو پر شور!
لب دریا، غریو موج و کولاک،
فرو پیچده شب در باد نمناک،
نگاه ماه، در آن ابر تاریک؛
نگاه ماهی افتاده بر خاک!
پیشان است امشب خاطر آب،
چه راهی می زند آن روح بی تاب!
سبکباران ساحل ها چه دانند،
شب تاریک و بیم موج و گرداب!
لب دریا، شب از هنگامه لبریز،
خروش موج ها: پرهیز ... پرهیز ...
در آن توفان که صد فریاد گم شد؛
چه بر می آید از وای شباویز؟!
چراغی دور، در ساحل شکفته
من و دریا، دو همراز نخفته!
همه شب، گفت دریا قصه با ماه
دریغا حرف من، حرف نگفته
فریدون مشیری

ای صاحب فتوا ز تو پرکارتریم
با این همه مستی ز تو هشیار تریم
تو خون کسان خوری و ما خون رزان
انصاف بده کدام خونخوار تریم؟
خیام

آئینه

همچو یک گل به چمن شاخه برافراخته ام
هر چه رنگ است و ریا از برم انداخته ام
صاف چون آب زلال است و عقیق چمنی
دل من زانکه ورا خانه خدا ساخته ام
هر نفس یاد تو را، نام تو را می گیرم
تا نگویم به عبث عمر چرا باخته ام
هر شبی روی تو و شوکت دیدار از من
اینقدر زانکه به این آینه پرداخته ام
روز از حسرت دیدار تو یارب به رضا
دل به یکسو تیغ بر سوی دگر آخته ام
چه کسی گفت به یکباره تو را دیده دلم؟
من به هر مرحله یک پرده بر انداخته ام
پرده بر چشم و دل ما چه بود جز خامی؟
من به هر کوره دو صد مرحله بگداخته ام
دور، ابلیس چسان شد ز درم می پرسی؟
هیچ دانی که به او تا به کجا تاخته ام؟

نفیسه خوشنصیب غضنفر



غزل

آواز دې د گامونو له موری راځي جانانه
هیندارې اشارې دې له بلی راځي جانانه
اغیار چې بادوي لمن لمن پیغور پر کلي
ما مخ ورته نیولی دی سیلی راځي جانانه

شمال سهار د کوموشتو مخونه دي ښکل کړي ؟

وږمې چې راته بیا ستا د یاری راځي جانانه
ساربان به تر منزله کاروان وړي له لېونونه
له ورايه انگازې پې د شپېلی راځي جانانه
میرونه که ځانونه پر سنگر ښودلای نشي
نوبویه معرکې ته ملالی راځي جانانه

زما پخپلې مینې باندې شیخه ایمان کلک دی

خو شک مې اوس د تا په دیندارۍ راځي جانانه

فاروق فردا

غزل

مینه خو د زړه هله ور ماته اننگو ته شي

لږ چې د غابڼو ښه ور زیاته اننگو ته شي

لمر دوزخي څوک دی؟ چې شغلې پې د ځان کړې دي

دغسې جلوی خو دې ور پاته اننگو ته شي

خدایه ستا په مینه کې یو داسې مقام راکړه چې

ټوله توجه مې له جوماته اننگو ته شي

کله چې مېوه پخه شي خاښ پسې کور شوی وي

خانگه مې د لاس همېشه تاته اننگو ته شي

نور پې صدقه له مخه څه کړمه حیران یمه

دا وړه نړۍ خو به میراته اننگو ته شي

گړانه ده چې سترگې نقیب واپړوي بل لورې ته

پام چې د پخې مینې له ذاته اننگو ته شي

نقیب احمد عزیزی

لېونی له جادوگرو سره راغله

له نڅا او له سندرو سره راغله

ځمکه گل شوه، لاره گل شوه، هوا گل شوه

د عطرونو له لښکرو سره راغله

متې لوڅې، گړېوان خلاص، څښې پېچلي

له برینلو یرغلگرو سره راغله

سر پې دروند، پښې بیواکه، عقل تللی

له بدماشو سربېرو سره راغله

له مستۍ په سمه لار کړه وړه ځي

د چمپې له څرخولو سره راغله

زما د سر د چټولو په تکل کې

د سرونو له لوگرو سره راغله

محتسب په ولاحول پې گونگی شو

مسلمان له کافرو سره راغله

څه برباد شوه د لایق د مچو هیله

چې لیلا له بنیادگرو سره راغله

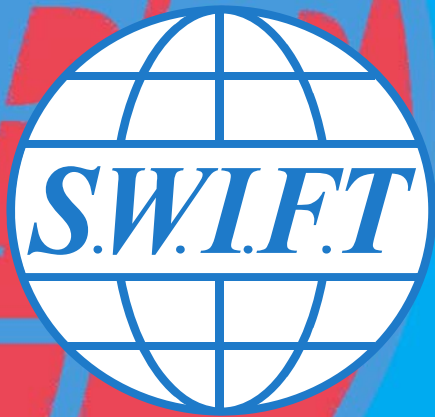
سلیمان لایق

انتقال مصئون و سریع پول از طریق ویسترن یونین و سوئیفت در غضنفر بانک



سوئیفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضو کمیته سوئیفت می باشد که خدمات و امکانات مصئون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می دارد.



ارسال و دریافت پول

ارایه لیتر آف کزیدت

ارایه گزنتی های بانکی

دریافت چک های خارجی

ویسترن یونین (Western Union)



moving money for better

امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمئن در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.

دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com / ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳



جمله های طلایی

(یک جمله ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند) .

قسمت چهارم:

- در جهان تنها یک فضیلت وجود دارد و آن آگاهی است و تنها یک گناه و آن جهل است. (مولانا)
- شریک زندگی رابادقت انتخاب کن. ۹۵٪ خوشبختی ها و بدبختی های زندگی ناشی از همین یک تصمیم خواهد بود. (اچ جکسون براون)
- بزرگترین بدبختی آن است که طاقث کشیدن بار بدبختی را نداشته باشیم. (باس)
- هرگز امید را از کسی سلب نکن. شاید این تنها چیزی باشد که او دارد. (اچ جکسون براون)
- توانستی و یاد نگرفته بودی. (بیانجار هوف)
- از کسی که چیزی برای ازدست دادن ندارد، بترس. (اچ جکسون براون)
- در زندگی هیچ چیز مهم تر از این نیست که با قلب خود در صلح باشی. (نینا کارین مونس)
- خوشبخت آدمیست، که پیمانه زندگی اش، همواره لبریز از شادیست. (حکیم ارد بزرگ)
- همواره دستی را که به سویت درازشده، بفشار. (اچ جکسون براون)
- من هرگز اجازه نخواهم داد پول مانع کاری شود که می خواهیم انجام دهیم!!! (کارستن ایس شن)
- به افکار بزرگ فکر کن اما از شادیهای کوچک لذت ببر. (اچ جکسون براون)
- در کار یک سیاستمدار عشق باید نقطه یا نشانه هر هدف باشد. (رنول استین)
- تولد و مرگ اجتناب ناپذیرند، فاصله این دو را زندگی کنیم. (سانتا بان)
- گفتگو با آدمیان ترسو، خواری بدنبال دارد. (حکیم ارد بزرگ)
- خرد و دانش مرد دانا در گفتار او هویداست. (فردوسی خردمند)
- تنها با اشخاص موافق معاشرت کنیم، چرا که کسی به مخالف احتیاج ندارد. (میوست)
- سختگیر اما رقیق القلب باش. (اچ جکسون براون)
- اگر می خواهید صلح را حفظ کنید برای داشتن برتری و مزایا حاضر به پیکار باشید. (کوندیلاک)
- اشخاص موفق از عمل باز نمی ایستند. اشتباه می کنند، اما دست نمی کشند. (کنراد هیلتون)
- خواستار سعادت دیگران بودن بزرگترین خوشبختی هاست. (الثر)
- آبادی یک کشور از روی نسبت آزادیش سنجیده میشود نه از روی حاصلخیزیش. (مونتسکیو)
- اگر از انسان آرزو و خواب گرفته شود، بیچاره ترین موجود روی زمین است. (کانت)
- تنبیه در هنگام خشم، اصلاح نیست بلکه انتقام است. (مونت نین)
- زیاده از حد خود را تحت فشار قرار نده. بهترین چیزها در زمانی اتفاق می افتد که انتظارش را نداری. (اچ جکسون براون)
- ابله همیشه به دنبال بزرگ تر از خود می گردد، که او را تحسین کند. (بولو)
- انتخاب اهداف عالی به زندگی معنا می بخشد. (ماکسیم گورکی)
- سه چیز خیلی سخت است: فولاد، الماس و خویشتن شناسی. (فرانکلین)
- بدون خود شناسی، زندگی ناممکن است. (نولستوی)
- تا هنگامی که کار با شور و اشتیاق درنیامیزد، پوچ و میان تهی خواهد بود. (جبران خلیل جبران)



- تخیل، یکی از ژرفترین نیازهای بشری است. (میلان کوندرا)
- در دنیا تنها دو چیز زیباست، زن و گل. (مالرب)
- فراوان لبخندبز، هزینه ای ندارد و ارزشش قابل تصور نیست. (اچ جکسون براون)
- انتقام شیرین است مخصوصا برای زنان. (بایرون)
- تمدن چیست ؟ نتیجه نفوذ زنان پاکدامن است. (امرسون)
- مردها را شجاعت به جلو می راند و زنها را حسادت. (برنارد شاو)
- هیچ چیز غرور مرد را مثل شادی زنش ارضاء نمی کند، چون همیشه آنرا مربوط به خود میداند. (جونسون)
- آنکه ثروت خود را باخت، زیاد باخته است ولی آنکه شهامت خود را باخت پاک باخته است. (سروانتس)
- هرگز اجازه نده کسی تو را افتان و خیزان ببیند. (اچ جکسون براون)
- آنچه را می شنوم، فراموش می کنم. آنچه را می بینم، به خاطر می سپارم. آنچه را انجام می دهم، درک می کنم. (کنفوسیوس)
- آنکه پیایی سختتان را می برد، دلخوش به شنیدن سخن شما نیست. (ارد بزرگ)
- وظیفه هنر، تقلید از طبیعت نیست، بلکه بیان آن است. (بالزاک)
- اگر بخواهی بر عالم فرمانروا باشی باید عقل بر تو حاکم باشد. (سه نه ک)
- یک انسان خردمند فرصتها و شانس ها را می سازد، نه اینکه در انتظار آنها بنشیند. (فرانسیس بیکن)
- شجاعت داشته باش تا با حقیقت رو به رو شوی. (استون)
- دوستان تازه پیداکن، اما دوستان قدیمی را عزیزدار. (اچ جکسون براون)
- هر چه به دل هست ز پاک و پلید - در سخن آید اثر آن پدید. (جامی)
- درسزمین جهل ، شعور خود دردیست، ابدی و گناهیست نابخشودنی. (بودا)
- شاد باشید، مهم نیست این شادی چگونه قضاوت شود. (شیخ بهایی)
- هیچگاه روی یک درآمد تکیه نکنید، برای ایجاد منبع دوم درآمد سرمایه گذاری کنید. (ناشناس)
- انسان با مقاومتی که در مقابل محیط می کند خود را می سازد. (ماکسیم گورکی)
- انسان های وحشی یکدیگر را می خورند و انسان های متمدن، یکدیگر را فریب میدهند. (آرتور شوپنهاور)
- وقتی انسان آرامش را در خود نیابد، جستجوی آن در جای دیگر کار بیهوده ای است. (لارو شفوکو)
- بهترین خوشبختی ها، یاری به دیگران است. (آلبرت هوبار)
- هیچگاه امید کسی را ناامید نکن، شاید امید تنها دارایی او باشد. (ارد بزرگ)
- هیچ اهرمی همچون بردباری و امید نمی تواند مشکلات را از پیش پایت بر دارد. (ناشناس)
- شناختن وظیفه کار مشکلی نیست ولی انجام وظیفه مشکل است. (لرد آبیوری)
- ترقیات بشر، زاده عمل و کار انسان است. (بناپارت)
- تا خود را از هرجهت کامل و شایسته ندیدی، قضاوت نکن. (بوشکین)
- تنها فضیلتی که من خواهان آنم حقیقت و عدم توسل به زور است. (گاندی)
- همه اشیاء دارای قیمت هستند و این تنها انسان است که دارای حرمت و منزلت است. (کانت)
- از اندیشه ها و آرزوهای دیگران، برای موفقیت خود کمک بگیرد. (باندر)
- بزرگترین داروی خشم، صبر و درنگ است. (سنگا)



حکایت و اندرز

طلاهای مرد خسیس

سم است و دومی کاسه ای گلیست و درونش آب گوارا است، شما کدام رامیخورید؟» شاگردان جواب دادند: «کاسه گلی را.» حکیم گفت: «آدمی هم همچون این کاسه است، آنچه که آدمی را زیبا میکند درونش و اخلاقش است. باید سیرتمان رازیبانیم نه صورتان را.»

به بادیه نشینی گفتند: فردای قیامت، پروردگار کریم به حسابت رسیدگی خواهد کرد! گفت: ای مرد! شاد و خوشحالم کردی، چون اگر به حساب رسیدگی کننده کریم باشد (رسیدگی نیست) بخشندگی است.

استادی از شاگردان خود پرسید: «به نظر شما چه چیز انسان را زیبا می‌کند؟»

یکی گفت: «چشمان درشت.» دومی گفت: «قد بلند.» دیگری گفت: «پوست شفاف و سفید!»

در این هنگام استاد دو گیلان از بکس‌اش بیرون آورد... یکی از گیلان‌ها بسیار گران‌بها و زیبا بود و دیگری سفالی و ساده. سپس در هر یک از گیلان‌ها چیزی ریخت.

رو به شاگردان کرد و گفت: «در گیلان رنگین و زیبا زهر و آب ریختم و در گیلان سفالی آب گوارا! شما اگر تشنه باشید؛ کدام یک را انتخاب می‌کنید؟»

همه‌گی به اتفاق گفتند: «گیلان سفالی را!...»

استاد گفت: «می‌بینید؟! زمانی که حقیقت درون گیلان‌ها را شناختید ظاهر برای تان بی‌اهمیت شد!!!» حیف که درون انسان‌ها دیده نمی‌شود، گاهی آن‌قدر مجذوب ظاهر می‌شویم که با چشمان

بسته جام زهر را می‌نوشیم...»

صورت زیبا نمی‌آید به کار

حرفی از معنی اگر داری؛ بیار

مردی خسیس تمام دارایی‌اش را فروخت و طلا خرید. او طلاها را در گودالی در حویلی خانه‌اش پنهان کرد. مدت زیادی گذشت و او هر روز از طلاها خبر می‌گرفت و آنها را زیر و رو می‌کرد. تکرار هر روزه این کار یکی از همسایگانش را مشکوک کرد. همسایه، یک روز مخفیانه به گودال رفت و طلاها را برداشت. روز بعد مرد خسیس به گودال رفت اما طلاهایش را نیافت. او شروع به شیون و زاری کرد و مکرر به سر و رویش می‌زد. رهگذری او را دید و پرسید: «چه اتفاقی افتاده است؟» مرد حکایت طلاها را بازگو کرد. رهگذر گفت: «این که ناراحتی ندارد. سنگی در گودال بگذار و فکر کن که شمش طلاست. تو که از آن استفاده نمی‌کنی، سنگ و طلا چه فرقی برایت دارد؟»

ارزش هر چیزی در داشتن آن نیست بلکه در استفاده از آن است. چه بسیار افرادی هستند که پولدارند اما ثروتمند نیستند و چه بسیار افرادی که ثروتمندند ولی پولدار نیستند.

اظهارات شکسپیر

شکسپیر گفت: من همیشه خوشحالم، می‌دانید چرا؟ برای اینکه از هیچکس برای چیزی انتظاری ندارم، انتظارات همیشه صدمه زننده هستند.. زندگی کوتاه است. خوشحال باش.. و لبخند بزن.. فقط برای خودت زندگی کن و قبل از اینکه صحبت کنی «گوش کن، قبل از اینکه بنویسی» فکر کن، قبل از اینکه خرج کنی «درآمد داشته باش، قبل از اینکه دعا کنی» ببخش، قبل از اینکه صدمه بزنی «احساس کن، قبل از تنفر» عشق بورز، زندگی این است... احساس کن، زندگی کن و لذت ببر.

زیبایی انسان در چیست؟

روزی شاگردان نزد حکیم رفتند و پرسیدند: «استاد زیبایی

انسان در چیست؟» حکیم دو کاسه کنار شاگردان گذاشت و گفت:

«به این دو کاسه نگاه کنید اولی از طلا درست شده است و درونش



محاورة اوزیگی (۲۲)

عزیزالله ارال

از کتاب "محاورة دری - انگلیسی - اوزیگی

کسل لیک لر و اغریق لر

Disease and Illnesses

مریضی ها و دردها

چیقان	Abscess	ورم چرکی
نفس سیقیلیشی	Asthma	نفس تنگی
قان بولغنیشی	Blood-poisoning	سمی خون
کوکریش (کوکرمه)	Bruise	کبود شدگی
کویپش (کویمه)	Burn	سوختگی
سرطان کسلگی	Cancer	مرض سرطان
ایچ قاتیش (ایچ قاتمه)	Constipation	قبضیت
سل کسلگی	Consumption	مرض سل
قند کسلگی	Diabetes	مرض شکر
ایچ کبتیش (ایچ کبتمه)	Diarrhea	اسهال
بوغمه	Diphtheria	مرض دیفتری، گلودرد
کوچسیز، حال سیز	Faint	ضعیف، بی حال
یپمکدن زهرلنیش	Food-poisoning	تسمم غذایی
سینیش، درز کبتیش	Fracture	شکستگی، انکسار
بیزگک	Malaria	ملاریا
قیزه میق	Measles	سرخکان
تیپکی	Mumps	گوشک
اوپکه نینگ یلیغله نیشی	Pneumonia	التهاب شش
حامله دارلیک، بؤغازلیک	Pregnancy	حامله داری
تاشمه	Rash	جوش، دانه
روماتیزم کسلی	Rheumatism	مرض روماتیزم



ورم، پندیده گی	Swelling	شیش
پیچکاری، امپول	Ampoule	پیچکاری
بنداز (نوارزخم بندی)	Bandage	بنداز (قولاب)
کیسه مثانه	Bladder	قاوق
استخوان	Bone	سویک
روده	Bowel	ایچک
سینه	Brest	کؤکره ک
روی	Face	یوز
لثه دندان	Gum	میلک
مفصل ران	Hip	سان (سان بیلن تاس آره لیغی)
مرض ساری	Infection	یوقمه کسل
گرده	Kidney	بویره ک
عینک زانو	Knee-cup	تیزه کاسه چه سی
جگر	Liver	جگر، بغیر
شش	Lung	اؤپکه
عضله	Muscle	عضلات
عصب	Nerve	عصب
درد	Pain	آغریق
قبرغه	Rib	قاورغه
دوای مُسکن	Sedative	آغریق نی قالدیره دیگن داری
شانه	Shoulder	یپلکه
دوای خواب	Sleeping-pills	اویقو داری
مدفوع	Stool	چیقیندی
دوای تسکین دهنده	Tranquilizer	تینچ لنتیره دیگن داری
سیاهرگ	Vein	کؤکتامیر
اکسری (اشعه ایکس)	x-ray	ریتتگین، ایکسری

ادامه دارد...



نمایندگی های غضنفر بانک از شما استقبال می کند

کندهار

د کفتان مدد چوک، احمدی پلازه، د کندهار صرافي
او سوداگری مارکیټ ته مخامخ - کندهار
اړیکه: 0797 86 00 12
kandahar@ghazanfarbank.com



شعبه مرکزی

۸۲۲ سرک عمومی شیرپور، صندوق پستی ۵۵۹۸
شماره های تماس: 0797 860 003, 0775 786 786
0798 786 786
info@ghazanfarbank.com
mainbranch@ghazanfarbank.com



جلال آباد

چوک مخابرات، مقابل گل فروش ها
شماره تماس: 0797 86 00 08
Jalalabad@ghazanfarbank.com



سرای شهزاده

منزل سوم، سرای شهزاده، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 10
shahzada@ghazanfarbank.com



پلخمری

چوک پلخمری، فیصل مارکیت، منزل دوم
شماره تماس: 0797 86 00 38
polekhomri@ghazanfarbank.com



شهر نو

شهر نو پلازا، مقابل ام تی ان پلازا، شهر نو، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 42
shahrenaw@ghazanfarbank.com



کونډز

جاده شیرخان بندر، مارکیت حاجی امان، دست چپ
شماره تماس: 0797 86 00 75
kunduz@ghazanfarbank.com



مزار شریف

جاده بیهقی، برج غضنفر
شماره تماس: 0797 86 00 80
mazar@ghazanfarbank.com



تخار

شهر تالقان، چوک تخار، رسته مسجد جامع
شماره تماس: 0797 86 00 73
takhar@ghazanfarbank.com



حیرتان

بازار پترولیم، مقابل اپارتمان عباس ابراهیم زاده
شماره تماس: 0797 86 00 22
hayratan@ghazanfarbank.com



هرات

شهر نو، جاده بهزاد، حفیظی پلازا
شماره تماس: 0797 86 00 70
herat@ghazanfarbank.com





➤ There is no Countercyclical Capital Buffer. ➤ There is no Capital for Systemically Important Banks. ➤ Total Regulatory Capital Ratio = [Tier 1 Capital Ratio] + [Tier 2 Capital Ratio] ➤ No such ratios	Conservation Buffer before 2016 = 0%, 1st January 2016 = 0.625 %, 1st January 2017 = 1.25%, 1st January 2018 = 1.875%, 1st January 2019 = 2.5%. ➤ A countercyclical buffer within a range of 0% – 2.5% of common equity or other fully loss absorbing capital will be implemented according to national circumstances. ➤ Systemically important banks should have loss absorbing capacity beyond the standards announced today and work continues on this issue in the Financial Stability Board and relevant Basel Committee work streams. ➤ Total Regulatory Capital Ratio = [Tier 1 Capital Ratio] + [Capital Conservation Buffer] + [Countercyclical Capital Buffer] + [Capital for Systemically Important Banks] ➤ In addition, Basel III introduces a leverage ratio
--	---

Calibration of the Capital Framework Capital requirements & buffers (all numbers in percent)			
Standards	Common Equity (after deductions)	Tier I Capital	Total Capital
Minimum	4.5	6.0	8.0
Conservation Buffer	2.5		
Minimum + Conservation Buffer	7.0	8.5	10.5
Countercyclical Buffer Range	0 - 2.5		





- The capital adequacy rules of Basel II do not adequately capture risks posed by bank exposures to transactions such as quality of capital, liquidity, derivatives.
- To address this, BCBS has come out with number of reforms/ regulatory framework for the banking system with the Basel-III proposal/document.

OBJECTIVES OF BASEL-III

- To strengthen global capital and liquidity regulations with the goal of promoting a more resilient banking sector; and
- To improve the banking sector's ability to absorb shocks arising from financial and economic stress.

To achieve these objectives, Basel-III proposals are broken down into two main areas :

- Capital Reforms
- Liquidity framework

COMPAIRING THREE PILLARS BASEL II vs III



Basel III strengthens the three Basel II pillars, especially pillar 1 with enhanced minimum capital and liquidity requirements.

IMPACT OF CAPITAL UNDER BASEL-II vs BASEL-III

BASEL-II	BASEL-III
➤ Tier 1 capital ratio = 4% ➤ Core Tier 1 capital ratio = 2% ➤ The difference between the total capital requirement of 8.0% and the Tier 1 requirement can be met with Tier 2 capital. ➤ There is no capital conservation buffer.	➤ Tier 1 Capital Ratio = 6% Core Tier 1 Capital Ratio (Common Equity after deductions) ➤ The difference between the total capital requirement of 8.0% and the Tier 1 requirement can be met with Tier 2 capital. ➤ Banks will be required to hold a capital conservation buffer of 2.5%.Capital



- The new accord is making capital allocation of banks more risk-sensitive and encouraging banks to invest in sophisticated tools for measuring and managing risk.
- Basel II objectives include the enhancement of financial stability and the promotion of sound risk measurement standards to ensure safe and sound operation of banking industry.
- Basel II Framework is intended to ensure that banks have adequate capital to bear the risks
- Banks to develop and use better risk management techniques in monitoring and managing their risks
- It includes three risks:
 - CREDIT RISK
 - MARKET RISK
 - OPERATIONAL RISK

THE THREE PILLARS OF BASEL- II

PILLAR I Minimum Capital Requirement	PILLAR II Supervisory Review Process	PILLAR III Market Discipline
➤ Specifies standards for minimum capital requirement of a Bank in relation to Credit Risk, Market Risk and Operational Risk. ➤ Provides distinct approaches for computation of capital Requirement for Credit, Market & Operational Risk	➤ Banks should have Internal Capital Adequacy Assessment Process (ICAAP) ➤ Supervisory review and evaluation of banks' internal capital adequacy assessments & strategies ➤ Supervisor to keep checks on adequacy of capitalization levels of banks ➤ Supervisors to expect banks to operate above the minimum regulatory capital ratios	➤ Disclosure requirements for banks ➤ To complement the minimum capital requirements (Pillar I) and the supervisory review process (Pillar II) ➤ Recognizes the fact that, apart from regulators, banks are also monitored by markets ➤ Market Discipline involves enhanced transparency in disclosure by banks especially the risk processes and risk positions prevalent in the banks. ➤ This is intended for general public.

BASEL-III

- The economic and financial crisis in 2007 and the build-up of excessive on-and off-balance sheet leverage in the banking system as well as insufficient liquidity buffers lead to gradual erosion of the level and quality of the capital base of the banking sectors of many countries.



Risk Identification: The risk identification involves

1. The understanding the nature of various kinds of risks.
2. The circumstances which lead a situation to become a risk situation and
3. The causes due to which the risk can arise.

Risk Quantification: Risk quantification is an assessment of the degree of the risk which a particular transaction or an activity is exposed to. Though the exact measurement of risk is not possible but the level of risk can be determined with the help of risk rating models.

Risk Control: Risk control is the stage where the bank or institutions take steps to control the risk with the help of various tools.

Tools for Risk Control

- Diversification of the business
- Insurance and hedging
- Fixation of exposure ceiling
- Transfer the risk to another party at right time
- Securitization and reconstruction

Risk Monitoring: In risk monitoring the bankers have to fix up the parameters on which the transaction/activity is to be tested to be sure that there is no risk to viable existence of the financial unit or investment of the bank.

BASEL ACCORD

- The collapse in 1974 of Bank Haus Herstatt in Germany and of the Franklin National Bank in the US; prompted the G10 Central Bank Governors to set up the **Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)**.
- BCBS formed in the end of 1974 by the Central Bank Governors of the Group of G10 countries
- The Committee's members came from Belgium, Canada, France, Germany, Italy, Japan Luxembourg, Netherlands, Spain, Sweden, Switzerland, United Kingdom and United States of America.

BASEL - I

BCBS released the Document titled: International Convergence of Capital Measurement & Capital Standards in July 1988 popularly known as BASEL - I implementation by end 1992. Initially BASEL- I included only Credit Risk. Later on Market Risk was introduced in 1999

BASEL - II

- In the **year 2004**, BCBS released a document - "**International convergence on capital Measurement and Capital standards: A revised framework**" - Popularly known as **Basel-II Accord**



Financial Risk		Non-Financial Risk
CREDIT RISK	MARKET RISK	
Counter Party or Borrower Risk	Interest Rate Risk	Operational Risk
Intrinsic or Industry Risk	Liquidity Risk	Funding Risk
Portfolio Risk	Currency FOREX Risk	Political Risk
Concentration Risk	Hedging Risk	Legal Risk

Credit Risk: Credit risk is defined as the possibility of losses associated with decrease in the credit quality of the borrower or the counter parties. In the bank's portfolio, losses stem from outside default due to inability or unwillingness of the customer or the counter party to meet the commitments, losses may also result from reduction in the portfolio value arising from actual or perceived deterioration in credit quality

Market Risk: Market risk is the risk of incurring losses on account of movements in market prices on all positions held by the banks. **Liquidity risk** of banks arises from funding of long term assets (advances) by short term sources (deposits) changes in interest rate can significantly affect the Net Interest Income (NII). The risk of an adverse impact on NII due to variations of interest rate may be called interest rate risk. **Currency FOREX** risk is the risk of loss that bank may suffer on account of adverse exchange rate movements against uncovered position in foreign currency.

Non-Financial Risk: Non-financial risk refers to those risks that may affect a bank's business growth, marketability of its product and services, likely failure of its strategies aimed at business growth etc. These risks may arise on account of management failures, competition, non-availability of suitable products/services, external factors etc. In these risk profiles, operational and strategic risk have a great need of consideration. **Operational Risk:** It may be defined as the risk of loss resulting from inadequate or failed internal process, people and systems or because of external events.

Process of Risk Management: To overcome the risk and to make banking function well, there is a need to manage all kinds of risks associated with the banking. Risk Management becomes one of the main functions of any banking services. Risk Management consists of identifying the risk and controlling them, means keeping the risk at acceptable level. Followings are the functional areas in establishing the process of Risk Management in banks.

- Risk identification
- Risk measurement or quantification
- Risk control
- Monitoring and reviewing

RISK MANAGEMENT IN BANK & BASEL ACCORD

Contributed by: JAYANTA RAY (CHIEF RISK OFFICER)



The fast changing financial environment exposes the banks to various types of risk. The concept of risk and management are core of financial enterprise. The financial sector especially the banking industry in most emerging economies is passing through a process of change. Rising global competition, introduction of innovative products and delivery channels have pushed risk management to the forefront of today's financial landscape. Ability to gauge the risks and take appropriate position will be the key to success. Here we would like to take an attempt to discuss in depth, the importance of risk management process and throws light on challenges and opportunities regarding implementation of Risk Management Program.

We are in the process of transition towards compliance of International Best Practices in Banking Industry. It is tending towards great advancement in terms of quality, quantity, expansion and diversification and is keeping up with the updated technology, ability, stability and thrust of a financial system, where the commercial banks play a very important role, emphasize the very special need of a strong and effective control system with extra concern for the risk involved in the business. In banks and financial institutions risk is considered to be the most important factor of earnings. Therefore, they have to balance the relationship between risk and return. In reality we can say that management of financial institution is nothing but a management of risk. Managing financial risk systematically and professionally becomes an even more important task. Ability to gauge the risks and take appropriate position will be the key to success. It can be said that risk takers will survive, effective risk managers will prosper and risk averse are likely to perish. The risk arises due to uncertainties, which in turn arise due to changes taking place in prevailing economic, social and political environment and lack of non-availability of information concerning such changes. Risk is an exposure to a transaction with loss, which occurs with some probability and which can be expected, measured and minimized. In financial institutions risk result from variations and fluctuations in assets or liability or both in incomes from assets or payments and on liabilities or in outflows and inflows of cash. Today, banks are facing various types of risks that financial intermediaries are exposed to, in the course of their business, which can be presented through following chart: